

حیات بهائی

مجموعه‌ای از نصوص مبارکه و ترجمه‌ای از دستخط‌های صادره توسط و یا از طرف حضرت ولی‌امرالله و بیت العدل اعظم الهی

تهیه و تنظیم: دایره مطالعه نصوص و الواح بیت العدل اعظم الهی

(از: مرکز جهانی بهائی)

مارس ۲۰۰۸

* * *

ملاحظه نمایید چون اتحاد و اتفاق در میان خاندانی واقع شود چه قدر امور سهل و آسان گردد و چه قدر ترقی و علویت حاصل شود امور منتظم گردد و راحت و آسایش میسر شود خاندان محظوظ ماند مقام محفوظ شود سبب غبطه عموم گردد و روز به روز بر علویت و عزت ابدیه بيفزاید
حضرت عبدالبهاء

* * *

- الف. حفظ هم‌بستگی زن و شوهر
- ب. روابط و مسئولیت‌های والدین و فرزندان
- پ. استحکام حیات خانواده

* * *

الف. حفظ هم‌بستگی زن و شوهر

منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله

فلما اراد نظم العالم و اظهار الجود و الكرم على الامم شرع الشرايع و اظهر المناهج و فيها سنّ سنّة النّكاح و جعله حصناً للنّجاح و الفلاح و امرنا به فيما نزل من ملكوت المقدّس فى كتابه الاقدس.

تزوَّجوا یا قوم لیظهر منکم من یذکرنی بین عبادی هذا من امری علیکم اتَّخذوه لانفسکم معیناً.

جميع بدانند و در این فقره به انوار آفتاب یقین فائز و منور باشند اناث و ذکور عندالله واحد بوده و هست و مطلع نور رحمن به یک تجلّی بر کل مجلّی قد خلقهنّ لهم و خلقهم لهنّ احبّ الخلق عند الحقّ ارسخهم و اسبقهم فی حبّ الله جلّ جلاله....

رأس الهمة هی انفاق المرء علی نفسه و علی اهله و الفقراء من اخوته فی دینه.

* * *

منتخباتی از آثار و بیانات حضرت عبدالبهاء

عقد بهائی ارتباط بین طرفین است و تعلّق خاطر بین جهتین ولی باید نهایت دقّت بنمایند و بر اخلاق هم‌دیگر واقف شوند و عهد وثیق ارتباط ابدی حاصل شود و مقصد الفت و رفاقت و وحدت و حیات سرمدی باشد....

عقد حقیقی بهائیان اینست که باید بین طرفین روحاً جسماً التیام تام حاصل گردد تا در جمیع عوالم الهی اتحاد ابدی داشته باشند و حیات روحانی یک‌دیگر را ترقّی دهند اینست عقد بهائی.

در میان خلق ازدواج عبارت از ارتباط جسمانیست و این اتحاد و اتفاق موقت است زیرا فرقت جسمانی عاقبت مقررّ و محتوم است ولکن ازدواج اهل بها باید ارتباط جسمانی و روحانی هر دو باشد زیرا هر دو سرمست یک جامند و منجذب به یک طلعت بی‌مثال زنده به یک روح‌اند و روشن از یک انوار این روابط روحانیّه است و اتحاد ابدیست و هم‌چنین در عالم جسمانی نیز ارتباط محکم متین دارند. ارتباط و اتحاد و اتفاق چون از حیثیت روح و جسم هر دو باشد آن وحدت حقیقی است لهذا ابدیست اما اگر اتحاد مجرد از حیثیت جسم باشد البته موقت است و عاقبت مفارقت محقق. پس باید اهل بها چون رابطه ازدواج در میان آید اتحاد حقیقی و ارتباط معنوی و اجتماع روحانی و جسمانی باشد تا در جمیع مراتب وجود و در جمیع عوالم الهی این وحدت ابدی گردد زیرا این وحدت حقیقی جلوه‌ای از نور محبّت الله است.

ای دو مؤمن بالله خداوند بی‌مانند زن و مرد را آفریده که با یک‌دیگر در نهایت الفت آمیزش نمایند و زندگانی کنند و حکم یک جان داشته باشند. زن و مرد دو رفیق و انیس هستند که باید در غم یک‌دیگر باشند. چون چنین باشند در نهایت خوشی و شادمانی و آسایش دل و جان در این جهان زندگانی کنند و در ملکوت آسمانی مظهر الطاف الهی گردند والا در غایت تلخی عمر بسر برند و هر دم آرزوی مردن نمایند و در جهان آسمانی نیز شرمسار باشند. پس بکوشید که با یک‌دیگر مانند دو کبوتر در آشیان آمیزش دل و جان نمایید اینست خوشبختی در دو جهان.

باری اساس ملکوت الهی الفتست و محبّتست و وحدتست اتصال است نه انفصال اتحاد است نه اختلاف علی‌الخصوص بین زوج و زوجه اگر سبب طلاق یکی ازین دو باشد البته در مشقّات عظیمه افتد و به وبال عظیم گرفتار گردد و بی‌نهایت نادم و

پشیمان شود.

تأسیس عائله خیلی مهم است تا انسان جوانست از غرور جوانی ملتفت نمی شود ولی چون پیر شد خیلی افسوس می خورد ... در این امر حیات عائله باید مثل حیات ملائک سماء باشد روحانیت و سرور باشد اتحاد و اتفاق باشد مراقت جسمانی و عقلانی باشد خانه منظم و مرتب باشد افکارشان مانند اشعه های شمس حقیقت و ستاره های روشن سماء باشد چون دو مرغ بر شاخسارهای شجر وحدت و یگانگی بسریند همیشه پر فرح و سرور باشند و سبب سرور قلوب دیگران شوند برای دیگران سرمشق باشند برای یک دیگر محبت صمیمی حقیقی داشته باشند اطفال خود را خوب تربیت نمایند تا سبب افتخار و اشتیاق آن عائله گردد.

در اقتران هر چه دورتر موافق تر زیرا بعد نسبت و خویشی بین زوج و زوجه مدار صحت بنیه بشر و اسباب الفت بین نوع انسانیست.

در ازدواج حکمت الهیه چنان اقتضا می نماید که از جنس بعید باشد یعنی بین زوجین هر چه بعد بیشتر سلاله قوی تر و خوش سیماتر و صحت و عافیت بهتر گردد.

البته باید امروز کل را به محبت و یگانگی و الفت و مهربانی و درستی و آشتی و دوستی و حق پرستی خواند. امیدوارم که تو و شوهر عزیزت به نهایت روح و ریحان به خدمت پردازید و در این جهان دو شمع روشن هدایت گردید و در افق ابدی مانند دو نجم ساطع بدرخشید.

اما قرینک الکریم یقتضی ان تعاملیه احسن معامله و تواظبی علی رضائه و المداراة معه فی کلّ الاحوال حتی یری بانک بتوجهک الی ملکوت الله زادت رأفتک معه و محبتک له و مراعاتک لرضائه فی کلّ حال و انّی اتضرّع الی الله ان يجعلک مستقیمه علی حبّ الله و ناشرة لنفحات القدس فی تلك البقاع.

نامه رسید قرین عزیزت را مقصد تکمیل علومست و تو تعجیل در رفتن به افریقا داری حالا با یک دیگر مشورت نمایند و به کمال محبت مذاکره کنید و با یک دیگر قرار درستی بدهید و متحد و متفق باشید زیرا قرین و قرینه باید شخص واحد باشند تا در هر امری موفق گردند.

و اما ما سألت هل الرجل يمنع القرينة الدّخول فی النّور ام القرينة تمنع الرجل عن الدّخول فی ملکوت الله فالحقیقة انّ کلاهما لا يمنع احدهما الآخر عن الدّخول فی ملکوت الله الاّ بکثرة تعلّق القرین للقرينة ام القرينة للقرین کلّ واحد منهما اذا اخذ الآخر معبوداً من دون الله فیمنعه عن الدّخول فی ملکوت الله.

* * *

ترجمه منتخباتی از توقیعات صادره از طرف حضرت ولی امرالله

جای تأسّف و نگرانی است که در ... زنان و شوهران همیشه هم‌دل و هم‌فکر نیستند.

به نظر این عبد در چنین مواردی حضرت عبدالبهاء همیشه توصیه می‌فرمودند که احبّایی که شوهران‌شان نظر موافقی در مورد خدمات آنان ندارند باید نهایت ملاحظه و رعایت را [نسبت به ایشان] مجری دارند. آن حضرت معتقد بودند که این افراد را باید بیشتر با محبّت و نه با بحث و گفتگو جلب نمود. امّا جای تأسّف خواهد بود اگر بعد از همه کارهایی که برای خانواده‌اش انجام می‌دهد، شوهرش با خدمات امری او مخالفت نماید.

اختلاف نظر و عقیده بین زن و شوهر موجب تأسّف بسیار است زیرا بدون شک باعث ضعف آن پیوند روحانی که اساس هم‌بستگی خانوادگی، به خصوص در دوران سختی است، می‌شود. امّا راه حلّ، رفتاری که باعث یگانگی طرف مقابل گردد نیست. در واقع یکی از اهداف امر بهائی ایجاد هم‌بستگی بیشتر در محیط خانواده است. بنا بر این حضرت عبدالبهاء در چنین مواردی رعایت خواسته‌های طرف مقابل و توسّل به دعا و مناجات را توصیه می‌فرمودند. دعا کنید که حقیقت به تدریج بر شوهرتان روشن گردد و در عین حال به نحوی عمل نمایید که نزدیک‌تر گردد نه اینکه تعصّبش برانگیخته شود. چون یگانگی حاصل شود قادر خواهید بود بدون مشکل به خدمت پردازید.

حضرت شوقی افندی اطمینان دارند که ... خانم شما خواهند توانست وقت خود را قدری بیشتر وقف خانواده نمایند امّا در عین حال امیدوارند که شما نیز بتوانید به همسر خود کمک نمایید که فرصت کافی بیابند تا به خدمت امر الله که تعلق شدیدی قلبی به آن دارند و خدمات‌شان در این میدان ارزنده و مغتنم است، قیام نمایند.

در مورد سؤال شما راجع به ماهیّت و خصوصیات ازدواج بهائی، همان طور که به درستی بیان داشته‌اید ازدواج بهائی مشروط به رضایت کامل والدین طرفین است. هم‌چنین بیان شما به این مضمون که طبق اصل وحدت عالم انسانی یک بهائی حقیقی نمی‌تواند نژاد را مانع از وصلت شمرد کاملاً با تعالیم بهائی مطابق است زیرا حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء هرگز ازدواج بین نژادهای مختلف را رد و یا منع نفرمودند. در حقیقت تعالیم بهائی، با توجّه به ماهیّت آن، از کلیّه محدودیتهایی که ملاحظات نژادی تحمیل می‌کند فراتر می‌رود و در نتیجه نمی‌تواند و نباید مشابه هیچ یک از مکاتب فلسفه نژادی تلقی گردد.

معیار دیانت بهائی در شئون مربوط به اخلاقیات جنسی بسیار بالاست ولی به هیچ وجه به نحو نامعقولی سخت و شدید نیست. ضمن اینکه روابط جنسی آزاد مردود شمرده شده است، ازدواج به منزله عملی مقدّس محسوب گردیده که هر انسانی باید به انجام آن تشویق شود، ولی اجبار جایز نیست. غریزه جنسی مانند دیگر غرایز بشری لزوماً شیطانی نیست بلکه نیرویی است که اگر به نحو صحیح هدایت گردد می‌تواند شادی و رضایت فرد را به همراه آورد. ولی اگر مورد سوء استفاده قرار گیرد نه تنها برای خود شخص بلکه برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند قطعاً زیان بسیار خواهد داشت. در عین حال که بهائیان ریاضت و خودآزاری افراطی را مردود می‌شمرد ولی در عین حال نسبت به فرضیه‌های متداول راجع به اخلاق جنسی که صرفاً موجب از هم‌گسیختگی جامعه بشری می‌گردد نیز نظر موافقی ندارند.

حضرت بهاءالله در کتاب احکام خود تصریح می‌فرمایند که هدف اصلی ازدواج بقای نسل و ایجاد فرزندی است که چون بزرگ شوند بتوانند به شناسایی خداوند نائل آیند و بر طبق احکام و قوانین الهی که به واسطه پیامبران نازل شده رفتار نمایند. به

این ترتیب بر طبق تعالیم بهائی، ازدواج در درجهٔ اوّل یک عمل اجتماعی و اخلاقی است که هدف آن ورای نیازهای شخصی طرفین و علائق والدین است.

اگرچه طرز فکر شوهر شما نسبت به امر الله ممکن است دوستانه نباشد، اما باید همیشه امیدوار باشید که از طرق مسالمت‌آمیز و دوستانه و با تلاش‌های مدبرانه، حکیمانه و صبورانه به تدریج در جلب نظر موافق او نسبت به امر الله موفق خواهید شد. به هیچ وجه نباید سعی کنید معتقدات دینی خود را به زور به وی تحمیل نمایید. در عین حال نباید اجازه دهید که مخالفت وی با امر بیش از اندازه مانع فعالیت‌های شما در جهت گسترش امر الله گردد. ... با شکیبایی و حکمت عمل نمایید و مطمئن باشید که حضرت بهاءالله مساعی شما را هدایت و تأیید می‌فرماید.

حضرت ولی‌امرالله تمایل شما را به اینکه زندگی خود را وقف خدمت امر الله نمایید کاملاً تأیید می‌فرماید ولی لازم می‌دانند توجه شما را به این حقیقت جلب نمایند که در صورت ازدواج، وظیفه شما در مقام یک زن بهائی این است که از مسئولیت‌های خانوادگی خود که در حقیقت جزئی حیاتی و جدانشدنی از فعالیت‌های امری شماست غفلت نکنید. البته مصالح خانوادگی باید تابع خیر و مصلحت و منافع امر مبارک باشد، ولی اگر فرد بهائی بخواهد از یک زندگی عادی و متعادل و سازنده برخوردار گردد باید برای مصالح خانواده نیز اهمیت لازم را قائل شود. تعهداتی که در برابر یک فرد بهائی قرار دارد از نظر وجوب و اهمیت یک‌سان نیست ولی این امر دلیل بر آن نیست که نتوان تعادلی بین آنها برقرار نمود.

به طور خلاصه، برداشت بهائی از روابط جنسی بر این عقیده استوار است که عفت و عصمت باید هم از طرف مرد و هم از طرف زن کاملاً رعایت گردد، نه تنها به این علت که عصمت به خودی خود از نظر اخلاقی بسیار قابل ستایش است بلکه از این نظر که تنها راه یک زندگی خانوادگی شاد و موفق نیز می‌باشد. بنا بر این روابط جنسی خارج از ازدواج به هیچ شکل و صورتی جایز نیست و هر کس از این حکم تجاوز نماید نه تنها در مقابل خداوند مسئول است بلکه از طرف جامعه نیز مشمول مجازات خواهد بود.

دیانت بهائی ارزش انگیزه جنسی را تصدیق می‌نماید ولی استفاده نامشروع و ناشایسته از آن را در مواردی مانند رابطه جنسی آزاد و با هم زیستن بدون ازدواج و غیره که همه را کاملاً به ضرر انسان و جامعه می‌داند محکوم می‌سازد. استفاده صحیح از غریزه جنسی حقّ طبیعی هر فرد می‌باشد و نهاد ازدواج نیز دقیقاً به همین منظور به وجود آمده است. بهائیان معتقد به سرکوب نمودن انگیزه جنسی نیستند بلکه معتقد به کنترل و تعدیل آن هستند.

نهاد ازدواج چنانکه حضرت بهاءالله مقرر فرموده‌اند در عین حال که برای جنبه جسمانی پیوند زناشویی اهمیت لازم را قائل است آن را نسبت به مقاصد اخلاقی و روحانی و نقشی که از طرف خداوند دانا و مهربان برای آن منظور گردیده است فرعی می‌شمرد. تنها هنگامی که به هر یک از این جنبه‌های مختلف اهمیت لازم داده شود و جنبه اخلاقی بر مادی و جنبه روحانی بر جسمانی اولویت یابد می‌توان از چنین افراط و بی‌بندوباری‌ها در روابط زناشویی که عصر انحطاط ما به نحو اسف‌باری شاهد آن است جلوگیری نمود و پاکی اصلی زندگی خانوادگی را به آن بازگرداند و هدف حقیقی از ایجاد این نهاد الهی را تحقق بخشید.

سؤال شما در مورد اینکه عشقی عمیق نسبت به شخصی غیر از زن و یا شوهر خود چه جایی می‌تواند در زندگی فرد داشته باشد، بر اساس تعالیم بهائی به آسانی قابل توضیح است. عفت و عصمت مستلزم آن است که زندگی جنسی فرد هم قبل و

هم بعد از ازدواج پاک و منزّه باشد، قبل از ازدواج پرهیزکاری کامل و بعد از ازدواج وفاداری مطلق نسبت به شریک زندگی منتخب، وفاداری در همه اعمال جنسی و وفاداری در قول و عمل....

... باید سعی نمایند تا خارج از زندگی زناشویی عادی و مشروع خود، روابط دوستی و محبتی برقرار سازند که ابدی و مبتنی بر زندگی روحانی انسان و نه حیات جسمانی اوست. این یکی از موارد متعدّدی است که در آن بهائیان باید سرمشق دیگران گردند و در راه ارائه معیاری حقیقی برای زندگی پیش قدم شوند، معیاری که سبب تعالی روح انسان شود و جسم او را صرفاً وسیله‌ای در اختیار روح تابناک او گرداند. نیازی به بیان نیست که این مسئله با داشتن یک زندگی جنسی عادی از طریق مشروع آن یعنی ازدواج مغایرتی ندارد.

حضرت ولی‌امرالّله بین شما و همسران در مورد تعلیم و تربیت فرزندان تان مشکلاتی پیش آمده بسیار متأسّف هستند. در مواردی که بهائیان با افراد غیر بهائی و به خصوص پیروان سایر ادیان ازدواج می‌کنند باید از قبل در مورد آموزش دینی آینده فرزندان خود تا حدّی توافق داشته باشند. هنگامی که چنین توافقی قبلاً حاصل نشده و در صورتی که والدین نتوانند در این مورد به توافق برسند، فرد بهائی باید از محفل روحانی خود صلاح و مشورت طلبد.

حضرت ولی‌امرالّله قویّاً معتقدند که بهائیان و به خصوص آنهایی که مثل شما و خانواده شما به نحوی آشکار و فَعّال به خدمت امر الله مشغولند باید در صورت امکان در هر موردی سرمشقی شایسته برای احبّای جدید و جوانان بهائی باشند. از آنجایی که حضرت بهاءالله با طلاق بسیار مخالف بودند (گرچه آن را جایز شمرده‌اند) و ازدواج را یک مسئولیت بسیار مقدّس محسوب فرموده‌اند، احبّا باید نهایت کوشش را بنمایند تا عقد ازدواجی را که بسته‌اند حفظ کنند و از آن اتّحادی نمونه که بر اساس شریف‌ترین انگیزه‌ها استوار است بسازند.

مشکلات زندگی زناشویی اغلب پیچیده و حسّاس است و ما بهائیان که مردمانی روشن‌فکر و مترقّی هستیم در صورت لزوم، نباید تردیدی در کمک گرفتن از علم و دانش در این گونه مسائل، به خود راه دهیم. اگر شما و شوهرتان، به طور جداگانه یا با یکدیگر، در باره مشکلات خود با طیب حاذقی مذاکره نمایید ممکن است متوجّه شوید که می‌توانید شوهر خود را معالجه کنید و یا لاقلاً در این راه کوشش نمایید. بسیار جای تأسّف است که دو نفر بهائی که در این امر عظیم الهی با هم متحدند و از سعادت داشتن خانواده برخوردارند، قادر نباشند با الفت حقیقی با یکدیگر زندگی کنند. حضرت ولی‌امرالّله معتقدند که شما باید دست به اقدامات سازنده‌ای بزنید و نگذارید وضع وخیم‌تر گردد. هنگامی که طلاق و جدایی بر سر زن و شوهری سایه می‌افکند، برای اجتناب از آن از هر راه حلّی باید استفاده نمود.

حضرت ولی‌امرالّله به شما توصیه می‌فرمایند که سعی کنید و لاقلاً برای مدّتی وقت خود را صرف شوهرتان کنید و با محبّت و صبر و دل‌جویی او را آرام نمایید. شاید به این طریق بتوانید از مخالفتش نسبت به امر الله بکاهید. اما او به هیچ وجه حقّ ندارد شما را به ترک دیانت بهائی وادار نماید. رابطه روح انسان با خالق خود امری است مطلقاً شخصی و مقدّس و هیچ کس در چنین اموری حقّ تحکّم به دیگری را ندارد.

ترجمه منتخباتی از دستخط‌هایی که توسط و یا از طرف بیت العدل اعظم صادر شده است

حضرت بهاءالله به منظور ایجاد اتحاد در جهان ظاهر شده‌اند و اتحاد خانواده اساسی و بنیادی است. بنا بر این باید اذعان کنیم که هدف امرالله استحکام خانواده است نه تضعیف آن. مثلاً خدمت به امر نباید موجب غفلت از خانواده گردد. بسیار مهم است که شما وقت خود را طوری تنظیم نمایید که حیات خانواده شما متعادل باشد و اعضای خانواده‌تان از توجه لازم برخوردار باشند.

حضرت بهاءالله همچنین بر اهمیت مشورت تأکید فرموده‌اند. ما نباید تصور کنیم که این روش پرارزش منحصر به مؤسسات اداری امری است. مشورت خانوادگی با استفاده از بحث و گفتگوی کامل و صادقانه همراه با آگاهی از لزوم میانه‌روی و اعتدال، می‌تواند نوش‌داروی اختلافات خانوادگی باشد. زنان نباید سعی کنند تا شوهران خود را تحت تسلط خود درآورند و به همین ترتیب شوهران نیز نباید بکوشند تا همسران خود را زیر سلطه خویش گیرند.

لوح حضرت عبدالهء... که در بند اول نامه خود به آن اشاره کرده‌اید صرفاً یک توصیه است نه یک امر و حکم قاطع.^۱ از این گذشته این لوح به افتخار چند نفر از زنان بهائی ایران نازل شده که حتماً در عریضه خود از حضرت عبدالهء تقاضای راهنمایی در مورد وضع خاصی نموده بودند. متأسفانه شأن نزول این لوح معلوم نیست زیرا نامه واصله به دست نیامده و تقاضای مورد نظر معلوم نشده است. از این جهت بیان مزبور باید به عنوان توصیه‌ای در مورد یک موقعیت خاص تلقی گردد. این بیان مبارک مثل بسیاری از بیانات دیگر در این مجموعه درج شده تا آثار موجود در باره جنبه‌های مختلف حیات خانواده در دست‌رس احباً قرار گیرد.

ترجمه به دقت ملاحظه شده است و شکّی نیست که متن انگلیسی صحیح است.

همان طور که اشاره کرده‌اید اصل تساوی حقوق زن و مرد کاملاً واضح و صریح و بیانات مبارکه در این مورد روشن و بدون ابهام است. بیت العدل اعظم بارها تصریح نموده‌اند که گاهی زن یا شوهر باید از خواست طرف دیگر تبعیت نماید. اینکه دقیقاً در چه وضع و موقعیتی چنین تبعیتی باید صورت گیرد امری است که به تصمیم هر زوج بستگی دارد. اگر خدای ناکرده زن و شوهر نتوانند به توافق برسند و این عدم توافق منجر به بیگانگی آنها از یک‌دیگر گردد، باید با کسانی که مورد اعتماد ایشان هستند و به صداقت و درستی رأی و تشخیص آنها اطمینان دارند مشورت نمایند تا وحدت خانواده را حفظ و تقویت نمایند.

بیت العدل اعظم امیدوارند که توضیحات بالا کمک نماید تا ابهام و نگرانی شما در مورد حقوق زن و شوهر در خانواده تخفیف یابد ولی می‌توانید برای آگاهی بیشتر به مجموعه‌ای که اخیراً در باره نقش زن منتشر شده مراجعه کنید.

همان طور که مستحضرید اصل وحدت عالم انسانی در آثار بهائی به منزله محوری توصیف شده که سایر تعلیم حضرت بهاءالله طائف حول آن است. مفهوم این اصل به قدری وسیع و همه‌جانبه است که بر همه ابعاد فعالیت‌های بشری اثر گذارده موجب تغییر و تحوّل آنها می‌گردد. این اصل مستلزم ایجاد تغییری بنیادین در نحوه ارتباط مردم با یک‌دیگر و نیز ریشه‌کن کردن عادات دیرینه‌ای است که حقوق طبیعی بشر را که مستلزم رعایت احترام و شرافت انسانی هر فرد می‌باشد انکار می‌کند.

در محیط خانواده، حقوق هر یک از اعضا باید محترم شمرده شود. حضرت عبدالبهاء در بیانی که متن آن به زبان انگلیسی ثبت شده و مضمون آن به فارسی به شرح ذیل است^۱، چنین می‌فرماید:

پیوند و الفت خانواده را باید پیوسته حفظ نمود و حقوق اعضا را نباید زیر پا گذاشت. حقوق پسر و پدر و مادر هیچ یک نباید نقض شود و یا دست‌خوش زورگویی گردد. همان گونه که پسر وظایفی نسبت به پدر دارد، پدر نیز در قبال پسر دارای وظایفی می‌باشد. بر همین منوال، مادر و خواهر و سایر اعضای خانواده نیز هر یک اختیارات مخصوص به خود را دارا هستند. تمامی این حقوق و اختیارات باید محفوظ ماند...^۲

اعمال زور از طرف فرد قوی بر علیه فرد ضعیف به منظور تحمیل اراده و رسیدن به امیال شخصی، تخلّفی فاحش از تعالیم بهائی است. هیچ کس حق ندارد با توسّل به زور یا تهدید به اعمال خشونت، شخص دیگری را به عملی که به انجام آن راضی نیست وادار نماید. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: “ای یاران الهی جبر و عنف و زجر و قهر در این دوره الهی مذموم.”^۳ کسانی که به سبب غلیان غیظ و غضب و یا عدم توانایی در مهار کردن خشم و عصبانیت خود، به اعمال خشونت نسبت به دیگران وسوسه می‌شوند، باید متذکّر باشند که این رفتار نکوهیده در امر منیع حضرت بهاءالله محکوم شده است.

از جمله نشانه‌های سقوط اخلاقی در نظام اجتماعی رو به زوال کنونی، ازدیاد خشونت در خانواده، افزایش رفتار تحقیرآمیز و ظالمانه نسبت به همسر و فرزند و شیوع آزارهای جنسی است. بسیار مهم است که اعضای جامعه اسم اعظم بسیار مراقب باشند که مبادا به علّت شیوع چنین اعمالی به قبول آن تن در دهند. احبّای الهی باید همواره متوجّه و متذکّر باشند که وظیفه ایشان ارائه نمونه‌ای از روش جدید زندگی است، روشی که خصوصیات شاخص آن پای‌بندی به اصول عالی اخلاقی و احترام به منزلت و حقوق تمامی مردم و احتراز از ظلم و ستم و هر نوع تعدّی است.

حضرت بهاءالله امر مشورت را وسیله‌ای برای حصول توافق و راهی برای تعیین نحوه عمل مشترک مقرر فرموده‌اند. استفاده از این وسیله بین دو شریک زندگی زناشویی و در خانواده و در حقیقت در جمیع مواردی که احبّا در اتخاذ تصمیمات مشترک شرکت می‌کنند لازم است. مشورت مستلزم آنست که تمام شرکت‌کنندگان آرای خود را با آزادی کامل و بدون واهمه از اینکه نظراتشان مورد انتقاد قرار گیرد و یا تحقیر شود بیان نمایند و البته این شرط اوّلیه برای موفقیت در مشورت، در محیطی که در آن ترس از خشونت و اهانت وجود داشته باشد قابل حصول نیست.

بعضی از سؤالات شما مربوط به رفتار با زنان است و شایسته است که با توجّه به اصل تساوی حقوق رجال و نساء که از تعالیم دیانت بهائی است بررسی گردد. تساوی حقوق زن و مرد امری است به مراتب والاتر از اظهار آرمان‌های قابل ستایش و اصلی است که تأثیر عمیقی بر جنبه‌های مختلف روابط انسانی دارد و باید جزء لاینفکّی از حیات خانواده و جامعه بهائی باشد. اجرای این تعلیم مبارک منشأ تغییر و تحوّل در آداب و رسوم است که در طیّ قرون متمادی مرسوم بوده است. نمونه‌ای از این تحوّل‌ات را در جوابی که از طرف حضرت شوقی افندی به این سؤال عنایت شده که آیا تعالیم بهائی سنت متداوله را که مرد به زن پیشنهاد ازدواج می‌نماید تغییر می‌دهد به نحوی که زن نیز اجازه پیشنهاد ازدواج به مرد را داشته باشد، می‌توان یافت پاسخ چنین است: “فرمودند بنویس مساوات تام است امتیاز و ترجیح جایز نه.”^۴ با گذشت زمان و به تدریج که زنان و مردان بهائی در اجرای کامل‌تر اصل تساوی حقوق رجال و نساء می‌کوشند، درک و فهم عمیق‌تری از اثرات و نتایج وسیع و همه‌جانبه این تعلیم حیاتی حاصل خواهد شد. حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات خود که متن آن به زبان انگلیسی ثبت شده و مضمون آن به

فارسی چنین است می‌فرمایند: ”تا زمانی که مساوات بین مرد و زن کاملاً تمکّن و تحقّق نیافته ممکن نیست عالم انسانی به حدّ کمال ترقّی نماید.“

بیت العدل اعظم در سال‌های اخیر مؤکداً توصیه فرموده‌اند که بانوان و دوشیزگان بهائی تشویق شوند تا در فعّالیت‌های اجتماعی و روحانی و اداری جوامع خود بیش از پیش شرکت جویند و از آنان خواسته‌اند که قیام نموده اهمّیت نقش خود را در کلیّه میادین خدمت به امر الله نمایان سازند.

توسّل به زور از طرف مرد به منظور تحمیل اراده‌اش بر زن، تمرّدی فاحش از تعالیم دیانت بهائی است. حضرت عبدالبهاء در بیاناتی که متن آن به زبان انگلیسی ثبت شده و مضمون از آن به فارسی چنین است می‌فرمایند:

در قدیم دنیا با زور اداره می‌شد و مرد چون جسماً و فکرّاً از زن زورمندتر و پرخاش‌جوتر بود بر او غالب و مسلط بود ولی حال وضع در تغییر است. به مرور اِعمال زور و عنف، غلبه خود را از دست می‌دهد و هوشیاری، فراست فطری و خصایل روحانی محبّت و خدمت که در زن قویّ است، تفوّق و برتری می‌یابد.

مردان بهائی این فرصت را دارند که به دنیای اطراف خود چهره جدیدی از روابط زن و مرد را که در آن توسّل به زور و تعرّض از بین رفته و هم‌کاری و مشورت جای‌گزین آن شده است نشان دهند. بیت العدل اعظم در جواب به سؤالات واصله فرموده‌اند که در روابط زناشویی، زن و شوهر هیچ یک نباید هرگز به ناحق دیگری را تحت سلطه خود در آورد. اگر از طریق مشورت توافق حاصل نشود، گاهی زن یا شوهر باید از خواست طرف دیگر تبعیّت نماید، هر زن و شوهری باید خود تصمیم بگیرند که دقیقاً تحت چه شرایطی چنین تبعیّتی باید صورت گیرد.

حضرت بهاءالله بنفسه الاعلی در یکی از الواح مبارکه راجع به رفتار با نساوان چنین می‌فرمایند:

... باید دوستان حقّ به طراز عدل و انصاف و مهر و محبّت مزین باشند چنانچه بر خود ظلم و تعدّی روا نمی‌دارند بر اماء الهی هم روا ندارند آنّه ينطق بالحقّ و يأمر بما ينتفع به عباده و امائه أنّه وليّ الكلّ فی الدّنيا و الآخرة.^۹

هیچ شوهر بهائی نباید هرگز همسرش را کتک بزند و یا با وی به نحوی ظالمانه رفتار نماید. مبادرت به چنین عملی رفتاری سوء و مردود در روابط زناشویی و مخالف تعالیم جمال مبارک است.

فقدان ارزش‌های معنوی و روحانی در اجتماع، منجرّ به تدنّی خلق و خویی که باید بر روابط بین دو جنس مخالف حکم‌فرما باشد می‌گردد که در نتیجه زنان صرفاً وسیله‌ای برای ارضای امیال جنسی به حساب می‌آیند و از احترام و ادبی که از جمله حقوق همه افراد بشر است محروم می‌شوند. حضرت بهاءالله چنین انداز می‌فرماید: ”انّ الدّین یرتکون البغی و الفحشاء اولئک ضلّ سعیمهم و کانوا من الخاسرین.“^{۱۰} شایسته یاران حضرت رحمن آنکه در باره معیارهای والای اخلاقی که نیل به آن را حضرت بهاءالله در یکی از بیانات خود به ”اهل بها“ توصیه می‌فرمایند، تعمّق نمایند: ”و لو یردن علیهم ذوات الجمال باحسن الطّراز لا ترتدّ الیهنّ ابصارهم بالهوی اولئک خلقوا من التّقوی کذلک یعلّمکم قلم القدم من لدن ربّکم العزیز الوهاب...“^{۱۱}

یکی از شنیع‌ترین و قبیح‌ترین تخلفات جنسی جرم تجاوز جنسی است. چنانچه یکی از احبّا مورد تجاوز جنسی قرار گیرد مستحقّ محبّت و حمایت اعضای جامعه می‌باشد و مختار است که علیه متجاوز بر طبق قانون مملکت خویش اقدام نماید. اگر در اثر این تجاوز حامله شود مؤسّسات بهائی نباید به او فشار آورند که ازدواج کند. اخذ تصمیم در باره حفظ و یا سقط جنین راجع به شخص اوست تا با توجّه به ملاحظات طبّی و عوامل مربوطه دیگر و در پرتو تعالیم مبارکه، آنچه را مایل باشد مجری دارد. اگر در نتیجه این تجاوز طفلی متولّد شود، اخذ تصمیم در مورد طلب کمک مالی از پدر جهت نگهداری فرزند به خود مادر راجع است، ولی ادعای هر گونه حقّ پدری از طرف متجاوز بر طبق احکام بهائی، با توجّه به شرایط مربوطه، زیر سؤال برده می‌شود.

حضرت ولیّ‌امرالّٰه در توقیعات مبارکه‌ای که از طرف آن حضرت به زبان انگلیسی صادر شده و مضمون آن ذیلّاً نقل می‌شود توضیح می‌فرمایند که: ”دیانت بهائی ارزش انگیزه جنسی را تصدیق می‌نماید...“ و همچنین می‌فرمایند: ”...استفاده صحیح از غریزه جنسی حقّ طبیعی هر فرد می‌باشد و نهاد ازدواج نیز دقیقاً به همین منظور به وجود آمده است.“ در این جنبه از روابط زناشویی نیز، مانند دیگر جوانب آن، باید رعایت و احترام متقابل حکم‌فرما باشد. اگر یک زن بهائی از طرف شوهرش مورد آزار و یا تجاوز جنسی قرار گیرد او حقّ دارد که برای کمک و راهنمایی به محفل روحانی مراجعه کند و یا برای کسب حمایت قانونی اقدام نماید. چنین آزارهایی ادامه زندگی زناشویی را شدیداً به مخاطره می‌اندازد و به احتمال قویّ سبب بروز نفرت و بیزاری آشتی‌ناپذیر می‌گردد.

در پاسخ یکی از احبّا که خواهان درک عمیق‌تری از این مطلب شده بود که پدر رئیس خانواده محسوب می‌گردد، در نامه‌ای از جانب بیت العدل اعظم آمده است:

همان طور که در نامه خود اشاره کرده‌اید بیت العدل اعظم الهی فرموده‌اند که با توجّه به برخی مسئولیّت‌ها که به پدران واگذار شده، پدر می‌تواند رئیس خانواده محسوب شود. امّا کلمه رئیس در اینجا به آن مفهومی که عموماً استفاده می‌شود به کار نرفته است بلکه باید با توجّه به اصل مساوات زن و مرد و بیانات بیت العدل اعظم که زن و شوهر هیچ یک نباید هرگز به ناحقّ دیگری را تحت سلطه خود در آورد، مفهوم جدیدی برای آن یافت. بیت‌العدل اعظم قبلاً در پاسخ سؤال یکی از احبّا فرموده‌اند که استفاده از کلمه ”رئیس“ برتری به شوهر عطا نمی‌کند و به او حقّ مخصوصی که حقوق سایر اعضای خانواده را زیر پا گذارد نمی‌دهد.“ همچنین فرموده‌اند که اگر پس از مشورت دوستانه توافق حاصل نشد ”گاهی زن باید از خواست شوهر تبعیّت نماید و زمانی شوهر باید تابع خواست زن باشد، ولی هیچ یک نباید به ناحقّ بر دیگری تسلّط جوید.“ این مفهوم با کاربرد متداول کلمه ”رئیس“ که غالباً هنگامی که حصول توافق بین زن و شوهر ممکن نیست حقّ بدون قید و شرط تصمیم‌گیری را به مرد می‌دهد، به نحوی بارز مغایرت دارد.

حفظ اتّحاد بین زن و شوهر بسیار مهم است و اگر خدمت به امر الله موجب تضعیف آن گردد باید راه حلّی برای این مشکل پیدا کرد.

به عبارت دیگر هر مسیری که انتخاب کنید باید هم در جهت ترویج مصالح امر الله باشد و هم استحکام پیوند زناشویی شما را میسر نماید. به طوری که از متن ذیل به نقل از نامه‌ای به زبان انگلیسی از حضرت ولیّ‌امرالّٰه معلوم می‌شود احبّا نباید به بهانه

خدمت به امر الله از انجام وظایف خانوادگی خود غفلت ورزند:

البته حضرت ولی‌امرالله مایلند که شما و سایر احبّا تمام وقت و نیروی خود را صرف خدمت به امر الله کنید زیرا نیاز فراوان به خادمین لایق داریم. اما خانواده نهادی است که حضرت بهاءالله برای استحکام آن ظهور فرموده‌اند نه تضعیف آن. صرفاً بر اثر بی‌توجهی به این نکته، مسائل نامطلوب بسیاری برای خانواده‌های بهائی پیش آمده است. به خدمت امر الله پردازید ولی وظایف خود را نسبت به خانواده خویش نیز فراموش ننمایید. وظیفه شماست که حدّ اعتدال را بیابید و مواظب باشید که هیچ یک از این وظایف موجب غفلت شما از دیگری نگردد.

توجه به این نکته مفید است که روابط زناشویی در بسیاری از موارد مستلزم تعدیلی کلی در رفتار هر یک از دو طرف است. از آنجایی که روابط عمیق زناشویی موجب آشکار شدن بهترین و بدترین جنبه‌های شخصیت دو طرف می‌شود، می‌توان گفت که هر دو شریک زندگی پیوسته به تعدیل رفتار خود مشغولند. بعضی از زن و شوهرها قادرند در آغاز زندگی مشترک به توافقی کامل برسند و آن را در سراسر زندگی خود حفظ نمایند. بسیاری متوجه می‌شوند که برای رسیدن به این توافق باید مدّتی تلاش کنند. اگرچه درست است که در ازدواج هر یک از طرفین باید حقوق فردی دیگری را رعایت نماید، ولی باید در نظر داشت که رابطه متقابل زن و شوهر فقط مبتنی بر موازن قانونی نیست و محبت اسّ اساس آن است. با توجه به این نکته، واکنشی صرفاً جدال‌آمیز و قانونی در مقابل رفتار ناشایسته طرف دیگر مناسب نیست.

مسئله‌ای که مطرح کرده‌اید برای زن و شوهرهای بهائی که با نیازها و فرصت‌های موجود در جامعه امروز رو به رو هستند بسیار مهم است^۸. مانند بسیاری از جنبه‌های دیگر زندگی روزانه، راه حلّ این مسئله را باید در فهم و به کار گیری تعالیم امر مبارک جستجو نمود. احبّا باید این واقعیت را کاملاً درک کرده بدون ناراحتی بپذیرند که راه حلّ‌های حاصله ممکن است از نقطه نظر کسانی که به موهبت قبول موعود الهی فائز نشده‌اند و در چنگال افکاری اسیرند که هرچند وسیعاً مورد قبول اهل عالم است ولی با تعالیم بهائی مغایرت دارد، ناقص و نارسا باشد.

آنچه در بررسی این موضوع باید مخصوصاً به آن توجه داشت هدفی است که مؤمنین به حضرت بهاءالله در زندگی دارند و آن شناسایی و پرستش خداوند است. این هدف مستلزم خدمت به هم‌نوع و خدمت در جهت پیشرفت امر الهی است. در تعقیب این هدف، بهائیان باید کوشش نمایند تا با استفاده از طرق موجود تا حدّ امکان استعدادها و قابلیت‌های خود را پرورش دهند.

بر اثر محدودیت‌هایی که در این عالم خاکی وجود دارد، احبّا در بسیاری از موارد خود را از پرورش کامل استعدادهای خویش محروم می‌بینند. این محرومیت ممکن است از فقدان منابع اقتصادی یا نبودن امکانات تحصیلی و یا لزوم انجام تعهدات و وظایف دیگری مانند مسئولیت‌های زندگی زناشویی و وظایف خانوادگی که آزادانه اختیار نموده‌اند، ناشی شده باشد. در بعضی موارد ممکن است علت آن تصمیم آگاهانه برای فداکاری در راه امر الله باشد مانند وقتی که یک مهاجر برای خدمت در محلی مستقرّ می‌شود که فاقد امکانات لازم برای پرورش استعدادها و قابلیت‌های خاصّ اوست. اما این محرومیت‌ها و محدودیت‌ها به معنای این نیست که این دوستان قادر نیستند مقصد اصلی حیات روحانی خود را تحقق بخشند بلکه صرفاً عناصری از یک چالش عمومی برای سنجش و ایجاد تعادل در صرف وقت و انرژی برای رسیدگی به امور گوناگون زندگی است.

چون موقعیت افراد بسیار متفاوت است، هیچ گونه پاسخ کلی برای پرسش‌های شما در مورد تصمیم‌گیری زن و شوهرهای شاغل که با دنبال کردن حرفه خود ظاهراً دو راه جداگانه را طی می‌کنند وجود ندارد. هر زن و شوهری باید با اتکا به فرایند مشورت بهائی تصمیم بگیرند که بهترین راه برای آنها چیست و در انجام این کار می‌توانند از جمله عوامل زیر را در نظر بگیرند:

● توجه به اصل تساوی که باید راهنمای مشورت میان زن و شوهر باشد.

بیت العدل اعظم الهی در پاسخ به سؤالات قبلی متذکر شده‌اند که مشورت توأم با شفقت باید اصل اساسی رابطه زناشویی باشد. اگر حصول توافق ممکن نباشد، گاهی زن یا شوهر باید از خواست طرف دیگر تبعیت نماید. اینکه دقیقاً در چه وضع و موقعیتی چنین تبعیتی باید صورت گیرد امری است که به تصمیم هر زوج بستگی دارد.

● تأکید بسیار در آثار بهائی بر حفظ پیوند زناشویی و تحکیم اتحاد بین دو شریک زندگی.

● مفهوم یک خانواده بهائی که در آن مادر اول مربی فرزندان به شمار می‌رود و پدر مسئولیت اصلی تأمین معیشت خانواده را بر عهده دارد.

همان طور که بیت العدل اعظم در موارد دیگر متذکر شده‌اند این امر به هیچ وجه بدان معنا نیست که این وظایف ثابت و تغییرناپذیرند و نمی‌توان آنها را بر حسب نیاز و شرایط خانواده تبدیل و تعدیل نمود.

● موقعیت‌های خاص مختلفی که ممکن است پیش بیاید، مانند: امکانات شغلی در زمانی که بی‌کاری عمومی رواج دارد، فرصت‌ها و یا توانایی‌های استثنایی که ممکن است یکی از طرفین ازدواج دارا باشد و یا نیازهای مبرم امر الله که ممکن است مستلزم فداکاری احباً باشد.

موقعیت چنین مشورتی بدون شک به میزان توسل به دعا و مناجات و توجه قلبی به درگاه الهی، احترام متقابل زن و شوهر به یک‌دیگر، آرزوی خالصانه آنها برای یافتن راه حلی که باعث حفظ اتحاد و هماهنگی بین آنها و سایر اعضای خانواده گردد و آمادگی آنان برای مصالحه و سازش در چارچوب تساوی، بستگی خواهد داشت.

هم‌چنان که اجتماع در طول دهه‌ها و قرن‌های آینده در تحت نفوذ تقلیب‌کننده ظهور حضرت بهاءالله تحوّل می‌یابد، مطمئناً تغییراتی بنیادین در آن روی خواهد داد که اجرای تعالیم بهائی در اجتماع را تسهیل نموده مشکلات زن و شوهرهایی را که مشتاقانه خواهان خدمت به امر الهی از طریق فعالیت‌های شغلی و حرفه‌ای خود هستند تخفیف خواهد داد.

حضرت عبداله‌بهاء در یکی از الواح مبارکه می‌فرمایند: “شوهر خویش را عزیز دار و هر چه بدخویی کند خوش‌خویی نما.”^۹

در پاسخ به سؤالی در مورد این بیان، توضیح ذیل ضمن نامه مورخ ۱۲ آوریل ۱۹۹۰ دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی آمده است:

بدیهی است که هیچ شوهری نباید همسر خود را مورد آزار و اذیت اعمّ از آزار عاطفی و روحی و جسمی قرار دهد. چنین عمل مذمومی با روابط مبتنی بر احترام و تساوی که در آثار بهائی به آن امر شده کاملاً در تضادّ خواهد بود، روابطی که می‌بایستی با مشورت توأم و از هر گونه بدرفتاری و از جمله توسّل به زور به منظور تحمیل اراده خود به دیگری مبرا باشد. هنگامی که یک زن بهائی خود را در چنین وضعی می‌یابد و احساس می‌کند که نمی‌تواند این مشکل را از طریق مشورت با شوهر خود حلّ نماید، می‌تواند جهت مشورت و صلاح‌دید به محفل روحانی محلّی مراجعه نماید و هم‌چنین ممکن است مراجعه به مشاورین خانوادگی حرفه‌ای و ماهر را نیز مفید تشخیص دهد. اگر شوهر هم بهائی باشد، محفل روحانی ممکن است توجّه او را به لزوم اجتناب از رفتار ناشایست جلب نماید و در صورت ضرورت می‌تواند جهت الزام او به وفق دادن رفتار خود با تعالیم امر مبارک دست به اقدامات جدّی‌تری بزند.

ب. روابط و مسئولیت‌های والدین و فرزندان

منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله

آباء باید در دین ابناء و اتقان آن جهد بلیغ نمایند چه هر فرزندی از دین الهی خارج شود البتّه به رضای ابوبن و حقّ جلّ جلاله عمل ننماید. جمیع اعمال حسنه به نور ایمان ظاهر و مشهود و در فقدان این عطیّه کبری از هیچ منکری اجتناب نکند و به هیچ معروفی اقبال ننماید.

در لوحی از الواح نازل قوله تعالیّ ”یا محمد وجه قدم به تو متوجّه و ترا ذکر می‌نماید و حزب الله را وصیت می‌فرماید به تربیت اولاد. اگر والد در این امر اعظم ... غفلت نماید حقّ پدری ساقط شود و لدی الله از مقصّرین محسوب طوبی از برای نفسی که وصایای الهی را در قلب ثبت نماید و به او متمسک شود آنّه یأمر العباد بما یؤیدهم و ینفعهم و یقرّبهم الیه و هو الامر القدیم.“

اثمار سدره وجود امانت و دیانت و صدق و صفا و اعظم از کل بعد از توحید حضرت باری جلّ و عزّ مراعات حقوق والدین است. در جمیع کتب الهی این فقره مذکور و از قلم اعلیّ مسطور ان انظر ما انزله الرحمن فی الفرقان قوله تعالیّ ”و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین احساناً.“ ملاحظه نمایید احسان به والدین را با توحید مقترن فرموده طوبی لکلّ عارف حکیم یشهد و یری و یقرأ و یعرف و یعمل بما انزله الله فی کتب القبل و فی هذا اللوح البدیع.

قلم اعلیّ کلّ را وصیت می‌فرماید به تعلیم و تربیت اطفال و این آیات در این مقام در کتاب اقدس^۱ در اوّل ورود سجن از سماء مشیت الهی نازل کتب علی کلّ اب تربیه ابنه و بنته بالعلم و الخطّ و دونهما عمّا حدّد فی اللوح و الذی ترک ما امر به فللامناء ان یأخذوا منه ما یكون لازماً لتربیتهما ان کان غنیّاً و الا یرجع الی بیت العدل.

آنچه از برای اطفال در مقام اوّل و رتبه اوّلیه واجب و لازم است تعلیم کلمه توحید و شرایع الهیه است چه که من دون آن خشیه الله حاصل نمی‌شود و در فقدان آن صدهزار اعمال مکروهه غیر معروفه و اقوال غیر طیبه ظاهر می‌گردد ... آباء باید

کمال سعی را در تدین اولاد مبذول دارند چه اگر اولاد به این طراز اول فائز نگردد از اطاعت ابوبن که در مقامی اطاعة الله است غافل گردد دیگر چنین اولاد مبالات نداشته و ندارد یفعل باهوائه ما یشاء.

قل یا قوم عزّروا ابویکم و وقّروهما و بذلک ینزل الخیر علیکم من سحاب رحمة ربکم العلیّ العظیم.

از جمله اموری که مخصوص است به این ظهور اعظم آنکه هر نفسی در این ظهور به اقبال فائز و به اسم قیوم از حقیق مختوم آشامید یعنی از کأس محبت الهی منتسبین او بر حسب ظاهر اگر مؤمن نباشند بعد از صعود به عفو الهی فائز و از بحر رحمت مرزوق خواهند بود. این فضل محقق است از برای نفوسی که از ایشان ضرری به حق و اولیای او نرسیده کذلک حکم الله ربّ العرش و الثری و مالک الآخرة و الاولى.

* * *

منتخباتی از آثار و بیانات حضرت عبدالبهاء

ای دو اولاد عزیز من اقتران شما چون به سمع من رسید بی نهایت ممنون و مسرور شدم که الحمد لله آن دو طیر باوفا در یک آشیانه لانه نمودند و از خدا خواهم که یک عائله محترمه ای تشکیل نمایند زیرا اهمّیت ازدواج به جهت تشکیل یک عائله پربرکت است تا در کمال مسرت مانند شمع‌ها عالم انسان را روشن نمایند زیرا روشنایی این عالم به وجود انسانست اگر در این جهان انسان نبود مانند شجر بی‌ثمر بود. حال امیدوارم که آن دو نفس مانند یک شجر گردند و از رشحات ابر عنایت طراوت و لطافت حاصل نمایند و پر شکوفه و ثمر گردند تا الی الابد این سلاله باقی و برقرار ماند.

اگر مرئی نباشد جمیع نفوس وحوش مانند و اگر معلّم نباشد اطفال کلّ مانند حشرات گردند اینست که در کتاب الهی در این دور بدیع تعلیم و تربیت امر اجباریست نه اختیاری یعنی بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را به نهایت همّت تعلیم و تربیت نمایند و از پستان عرفان شیر دهند و در آغوش علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در این خصوص قصور کنند در نزد ربّ غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند.

مسئله اخلاق را بسیار اهمّیت بدهید. جمیع آباء و امّهات باید اطفال را متماداً نصیحت کنند و بر آنچه سبب عزّت ابدیه است دلالت نمایند.

در خصوص تربیت اطفال امّهات باید نهایت اهمّیت بدهند و همّت بگمارند زیرا شاخه تا تر و تازه است هر نوع تربیت نمایی تربیت شود. پس امّهات باید طفلان خردسال را مانند نهال‌ها که باغبان می‌پرورد پرورش دهند شب و روز بکوشند که در اطفال ایمان و ایقان و خشیت رحمن و محبت دلبر آفاق و فضایل اخلاق و حسن صفات تأسس یابد. مادر اگر از طفل حرکت ممدوحی بیند ستایش کند و تحسین نماید و تطییب خاطر طفل کند و اگر ادنی حرکت بی‌فایده صدور یابد طفل را نصیحت کند و عتاب نماید و به وسائط معقوله حتّی زجر لسانی جزئی اگر لازم باشد مجری دارد ولی ضرب و شتم ابداً جایز نیست زیرا به کلی اخلاق اطفال از ضرب و شتم مذموم گردد.

اطفال را از سنّ شیرخواری از ثدی تربیت پرورش دهید و در مهد فضایل پرورید و در آغوش موهبت نشو و نما بخشید از هر علم مفیدی بهره‌مند نمایید و از هر صنایع بدیع نصیب بخشید پرهمت نمایید و متحمل مشقت کنید اقدام در امور مهمّه بیاموزید و تشویق بر تحصیل امور مفیده بنمایید.

اگر چنانچه فی‌الجمله مراعات پدر و مادر را نیز بنمایی که فی‌الجمله راضی شوند سبب رضایت منست. پدر و مادر بسیار محترم و رضایشان لازم ولی به شرط آنکه مانع از تقرّب به درگاه کبریا نشوند و از سلوک در سیل ملکوت بازدارند بلکه باید تشویق و تحریص نمایند.

و همچنین پدر و مادر نهایت تعب و مشقت به جهت اولاد کشند و اکثر چون به سنّ رشد رسند پدر و مادر به جهان دیگر شتابند نادراً واقع که پدر و مادر در مقابل مشقّات و زحمات خویش در دنیا مکافات از اولاد بینند. پس باید اولاد در مقابل مشقّات و زحمات پدر و مادر خیرات و میرّات نمایند و طلب عفو و غفران کنند مثلاً شما در مقابل محبّت و مهربانی پدر باید به جهت او اتفاق بر فقرا نمایید و در کمال تضرّع و ابتهال طلب عفو و غفران کنید و رحمت کبری خواهید.

در خصوص مشورت پدر با پسر و پسر با پدر در کسب و تجارت استفسار نموده بودید. مشورت در شریعت الله از اسّ اساس است و البته مقبولست خواه میان پدر و پسر و یا شخص دیگر کاری بهتر از این نه انسان باید در جمیع امور مشورت نماید از شور به غور مسئله رسد و به آنچه موافق است پی‌برد.

ای عزیز عبدالبهاء پسر آن پدر باش و ثمر آن شجر زاده عنصر جان و دل او باش نه همین آب و گل. پسر حقیقی آنست که از عنصر روحانی انسان منشعب گردد. از خدا خواهیم که در جمیع اوقات موفق و مؤید باشی.

پدر باید همواره به تربیت پسر کوشد و تعلیم تعلیم آسمانی دهد و همیشه نصیحت نماید و آداب بیاموزد و در دبستان تعلیم گذارد و تعلیم فنون لازمه مفیده بدهد خلاصه به آنچه فضایل عالم انسانیست پرورش دهد علی‌الخصوص همواره متذکّر به ذکر الله کند تا محبّت الله در عروق و شریان‌ش تأثیر نماید و پسر باید نهایت اطاعت را از پدر بنماید عبد خاضع باشد و بنده متواضع شب و روز در فکر راحت و آسایش و تحصیل رضایت پدر مهربان باشد به کلّی راحت و خوشی خویش فراموش نماید دائماً سعی و کوشش کند که سبب سرور قلب پدر و مادر گردد تا موفّق به رضایت حضرت پروردگار شود و مؤید به جنود لم‌تروها گردد.

از جمله محافظه دین الله تربیت اطفال است که از اعظم اساس تعلیم الهیه است. پس ابتدا باید امّهات اطفال شیرخوار را در مهد اخلاق تربیت نمایند زیرا اوّل مربّی امّهاتند تا چون طفل مراهق گردد به جمیع خصایل حمیده و فضایل پسندیده متّصف و متخلّق شود و همچنین به موجب اوامر الهیه هر طفلی باید قرائت و کتابت و اکتساب فنون لازمه مفیده نماید و همچنین تعلّم صنعتی از صنایع این امور را نهایت اهتمام باید قصور و فتور در این خصوص جایز نه. ملاحظه فرمایید که چه قدر زندان و سجون و محلّ عذاب و عقاب از برای نوع بشر حاضر و مهیّاست تا به این وسایط زجریه نفوس را از ارتکاب جرایم عظیمه منع نمایند و حال آنکه این زجر و این عذاب سبب ازدیاد سوء اخلاق می‌گردد و مطلوب چنانچه باید و شاید حاصل نشود. پس باید نفوس را از صغر سنّ چنان تربیت نمود که اکتساب جرایم نمایند بلکه جمیع همّت‌شان بر اکتساب فضایل باشد و نفس جرم و قصور را اعظم عقوبت شمرند و نفس خطا و عصیان را اعظم از حبس و زندان دانند چه که می‌توان انسان را

چنان تربیت نمود که جرم و قصور اگر به کلی مفقود و معدوم نگردد ولی نادر الوقوع شود. باری مقصد اینست که تربیت از اعظم اوامر حضرت احدیست و تأثیرش تأثیر آفتاب در شجر و ثمر. اطفال را بسیار باید مواظبت و محافظت و تربیت نمود اینست حقیقت شفقت پدر و مادر و الا علف خودرو گردد و شجره زقوم^{۱۱} شود خیر و شر نداند و فضایل را از رذایل تمیز نتواند مربای غرور گردد و مغرور رب غفور لهذا جمیع اطفال نورسیدگان باغ محبت الله را کمال مواظبت و تربیت لازم.

* * *

ترجمه منتخباتی از توقیعات صادره از طرف حضرت ولی امرالله^{۱۲}

اختلاف والدین و فرزندان بر سر مسائل مهم زندگی مانند ازدواج البته بسیار تأسفانگیز است. ولی بهترین راه حل آن است که سعی کنند به طریقی دوستانه رفع اختلاف نمایند، نه آنکه نظرات یکدیگر را به سخریه بگیرند و یا اینکه در حال خشم و عصبانیت به بحث پردازند.

حضرت بهاءالله صراحتمی فرمایند که برای انجام مراسم ازدواج کسب رضایت والدین ضروری است و بدون شک حکمت بزرگی در این دستور نهفته است. این امر لاقلاً مانع از آن می شود که جوانان بدون تأمل و بررسی موضوع، ازدواج کنند. برای رعایت این حکم الهی بود که حضرت ولی امرالله تلگراف فرمودند که کسب رضایت والدین شما لازم است.

همچنین حضرت ولی امرالله از اینکه به یمن موهبت الهی دارای فرزندی شده اید بسیار مسرور شدند و اطمینان دارند که وجود او شادی و خوشبختی هر دوی شما را افزون تر و حیات بهائی خانواده شما را غنی تر خواهد ساخت. هیکل مبارک دعا خواهند فرمود که این کودک محبوب در تحت مواظبت و هدایت شما جسماً و روحاً رشد نماید و چنان تعلیم و تربیت یابد که بتواند بعداً امر مبارک را با تمام وجود پذیرفته به خدمت آن قیام نماید. این کار در حقیقت مقدس ترین وظیفه شما در مقام والدین بهائی است و موفقیت و شادی زندگی خانوادگی شما بدون شک به نحوه و میزان انجام آن بستگی دارد.

در مورد پس انداز شما، حضرت ولی امرالله توصیه می فرمایند که به اعتدال سلوک نمایید. اگرچه اشتیاق شما را به تقدیم تبرعات کریمانه به امر الهی البته تأیید می فرمایند ولی در عین حال مؤکداً گوشزد می نمایند که وظایف و مسئولیت های خود را نسبت به پدر و مادران که به کمک مالی شما نیاز دارند فراموش نکنید.

وظیفه تربیت و پرورش کودک بهائی چنانچه به کرات در آثار بهائی تأکید شده مهم ترین مسئولیت مادر است. امتیاز منحصر به فرد مادر در حقیقت آنست که بهترین موقعیت را در خانه خود برای رفاه و پیشرفت مادی و معنوی طفل ایجاد نماید. تربیتی که کودک در ابتدا از مادر خود دریافت می کند محکم ترین اساس برای رشد و پیشرفت او در آینده خواهد بود و بنا بر این از هم اکنون هدف مهم همسر شما ... باید سعی در تربیت روحانی کودک نوزاد خود باشد، تربیتی که او را قادر سازد تا در آینده به نحوی کامل کلیه وظایف و مسئولیت های حیات بهائی را بر دوش گیرد و به طرز شایسته اجرا نماید.

در مورد مسئله تربیت فرزندان^{۱۳}، با توجه به تأکیدات حضرت بهاءالله و حضرت عبداله‌اء مبنی بر لزوم تربیت فرزندان توسط والدین در سنین کودکی، به نظر مرجح است که اولین آموزش و پرورش را فرزندان در خانه از مادر دریافت دارند تا اینکه به کودکستان یا نوعی مؤسسات مخصوص تربیت اطفال فرستاده شوند. اما اگر موقعیت ایجاب کند که مادر بهائی راه دوم را انتخاب نماید، ایرادی وارد نیست.

مسئله تعلیم و تربیت اطفال در صورتی که یکی از والدین بهائی نباشد موضوعی است که منحصرأً به خود پدر و مادر مربوط می‌شود تا در مورد بهترین نحوه‌ای که موجب حفظ وحدت خانواده و رفاه آینده فرزندان‌شان می‌شود تصمیم بگیرند. اما هنگامی که کودک به سن بلوغ می‌رسد باید برای انتخاب دین خود صرف نظر از خواسته‌ها و آرزوهای والدینش آزادی کامل داشته باشد.

اگرچه روابط خانوادگی محکم و متین است ولی باید همیشه به خاطر داشته باشیم که روابط روحانی بسیار عمیق‌تر و قوی‌تر از آن است. روابط روحانی روابطی ابدی است و بعد از مرگ هم ادامه دارد، اما روابط جسمانی اگر با پیوند روحانی همراه نگردد فقط محدود به این عالم است. شما باید تا آنجا که در قوه دارید از طریق دعا و با رفتار و کردار نمونه، فکر اعضای خانواده خود را نسبت به دیانت بهائی روشن کنید ولی از اعمال آنها چندان غمگین نشوید. به برادران و خواهران روحانی خود که با شما تحت انوار ملکوت الهی زندگی می‌کنند ناظر باشید.

احبای الهی در حقیقت هنوز کاملاً نیاموخته‌اند که از محبتی که به یک‌دیگر دارند برای تقویت و تسلی خاطر در هنگام احتیاج چگونه استفاده نمایند. امر الهی دارای قدرت عظیمی است و علت اینکه یاران بیشتر از آن استفاده نمی‌کنند این است که هنوز نیاموخته‌اند چگونه از این نیروی عظیم محبت، قدرت و اتفاق و هماهنگی که این امر اعظم ایجاد کرده است به طور کامل بهره گیرند.

در خصوص بیان مبارک که می‌فرمایند ”هجرت مشروط به موافقت والدین است اقناع آنان لازم و واجب“ این حکم بر بالغین و غیر بالغین هر دو یکسان است یا خیر فرمودند بنویس ”فقط راجع به اشخاص نابالغ است.“

حضرت بهاءالله به صراحت فرموده‌اند که برای ازدواج بهائی رضایت والدینی که در قید حیات هستند ضروری است. این دستور اعم از اینکه والدین بهائی باشند یا غیر بهائی و سال‌ها قبل طلاق گرفته باشند یا نه، لازم الاجرا است. هیکل مبارک این حکم محکم الهی را برای تحکیم بافت اجتماع و تقویت پیوندهای خانوادگی و ایجاد حسن‌قردانی و احترام در قلب فرزندان نسبت به کسانی که به آنها زندگی بخشیده و روح آنان را در مسیر سفر ابدی به سوی پروردگار خود قرار داده‌اند صادر فرموده‌اند. ما بهائیان باید بدانیم که آنچه در دنیای کنونی می‌گذرد فرایندی کاملاً برعکس است: جوانان کمتر و کمتر به خواسته‌های والدین خود اهمیت می‌دهند، طلاق حقیقی طبیعی محسوب می‌شود و بر اساس سست‌ترین و ناموجه‌ترین و غیر اصولی‌ترین بهانه‌ها صورت می‌گیرد. والدینی که از هم جدا می‌شوند، به خصوص اگر یکی از آنها سرپرستی کامل فرزندان را به عهده داشته باشد، به راحتی آماده‌اند که طرف دیگر را که او نیز در مقام والدین مسئول به دنیا آوردن فرزندان می‌باشد بی‌اهمیت جلوه دهند. بهائیان باید با توسل کامل به احکام و تعالیم بهائی، با نیروهای فرساینده‌ای که به سرعت در حال نابود کردن حیات خانواده و زیبایی روابط خانوادگی و ساختار اخلاقی اجتماع است به مبارزه برخیزند.

فرزندان تا سنّ پانزده سالگی تحت هدایت و سرپرستی والدین خود هستند. در پانزده سالگی صرف نظر از بهائی بودن یا نبودن والدین خود، می‌توانند ایمان خود را به دیانت بهائی اعلان نموده به عنوان جوان بهائی تسجیل شوند. کودکان زیر پانزده سال که والدین آنها بهائی هستند در صورت تمایل می‌توانند به مانند دیگر بهائیان در جلسات امری و گردهمایی اجتماعی احبّا شرکت نمایند. هم‌چنین اگر والدین غیر بهائی به فرزند خود که به سنّ پانزده نرسیده اجازه دهند که در جلسات بهائی شرکت کند و در حقیقت بهائی باشد، این نیز مجاز است.

اگر وضع سلامت والدین شما طوریکه وجود شما واقعاً ضروری است، در آن صورت نباید آنها را ترک کنید. ولی اگر خویشاوند دیگری بتواند از آنها نگهداری نماید، در آن صورت می‌توانید در فعالیت‌های امری در ... کمک کرده احبّا را در استقرار امر مبارک بر اساسی محکم در آن محل، مساعدت نمایید.

* * *

ترجمه منتخبی از دستخط‌هایی که توسط و یا از طرف بیت العدل اعظم صادر شده است

بیت العدل اعظم نامه مورّخ ۲۳ ژوئن ۱۹۷۷ شما را دریافت نموده‌اند. در آن نامه آرزوی عمیق خود و شوهرتان را به اینکه فرزندان‌تان حامیان فعال امر مبارک شوند ابراز داشته و سؤال کرده بودید که با توجّه به مسئولیت‌های والدین بهائی در میدان مهاجرت، آیا مشقّات ظاهری که فرزندان در نتیجه تعهّدات والدین‌شان به خدمات امری متحمّل می‌شوند به نحوی جبران خواهد شد، بیت العدل اعظم مقررّ فرمودند به قرار ذیل مرقوم گردد:

در بررسی این مشکل لازم است که واقعیت وحدت خانواده و سهم فرزندان در فعالیت‌های آن در نظر گرفته شود...

هم‌چنین باید توجّه داشت که کودک از ابتدای زندگی، موجودی متفکّر و آگاه است که عضوی از خانواده به شمار رفته نسبت به آن دارای وظایفی می‌باشد و قادر است به طرق گوناگون برای امر مبارک فداکاری نماید. توصیه می‌گردد که با فرزندان نوعی رفتار شود که احساس کنند که این امکان و امتیاز را دارند که در تصمیم‌گیری راجع به خدماتی که والدین‌شان می‌توانند به عهده گیرند شرکت کنند تا بدین طریق بتوانند برای پذیرفتن خدماتی که زندگی آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد شخصاً و آگاهانه تصمیم بگیرند. در حقیقت می‌توان کودکان را دلالت نمود تا دریابند که والدین‌شان صادقانه آرزومندند که با هم‌راهی کامل و صمیمانه فرزندان‌شان به این نوع خدمات قیام نمایند.

بیت العدل اعظم نامه شما را که در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۸۲ پست شده بود دریافت کرده‌اند. در آن نامه تمایل شدید خود را در مقام یک مادر جهت انجام مسئولیت‌های مربوطه برای تربیت صحیح فرزندان‌تان و قادر ساختن آنها به اینکه خادمین ثابت‌قدم امر جمال مبارک باشند اظهار کرده‌اید. حسب الامر مطالب زیر را به اطلاع شما می‌رسانیم....

بیت العدل اعظم در نگرانی شما شریکند که فرزندان از خانواده‌های مؤمن بهائی از امر کناره گرفته‌اند. متأسّفانه مواردی وجود

داشته که خدمات والدین به امر الهی به زیان فرزندان و خانواده بوده است....

اشارات بسیاری در الواح مبارکه در باره طرقی که والدین باید فرزندان خود را هدایت نمایند موجود است و شاید شما "مجموعه‌ای از نصوص و الواح مبارکه در باره تعلیم و تربیت بهائی" را مطالعه کرده‌اید....

این مجموعه شامل نصوص بسیاری در باره اهمّیت اتحاد خانواده است. اگر کودکان در خانواده‌ای تربیت شوند که اعضای آن خوشحال و متحد و افکار و اعمالشان متوجه مسائل روحانی و پیشرفت امر باشد، می‌توان تقریباً مطمئن بود که آن فرزندان صفات ملکوتی کسب خواهند نمود و از مدافعان امر مبارک خواهند شد.

امید است که مطالب فوق مفید و اطمینان‌بخش باشد و شما را قادر سازد تا با سرور و اعتماد به وظایف مادری خود پردازید. در اجرای وظایف خود در مقام پدر و مادر، مانند سایر وظایفی که به عهده داریم، فقط می‌توانیم به حدّ قوّه خود کوشش کنیم و واقف باشیم که بدون شک در مقایسه با معیارهای والایی که در جهت وصول به آن تلاش می‌کنیم کم‌بودهایی خواهیم داشت. ولی باید مطمئن باشیم که خداوند کسانی را که در راه خدمت به امرش می‌کوشند مدد خواهد نمود و دعای ما را اجابت کرده نقایص ما را جبران خواهد کرد.

بیت العدل اعظم نامه مورّخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۲ شما را در مورد وظایف محافل روحانی محلّی راجع به هدایت والدین و فرزندان در باره رفتار اطفال در جلسات بهائی مانند ضیافات نوزده‌روزه و جلسات ایّام متبرّکه دریافت نموده‌اند.

...بیت العدل اعظم مقرر فرمودند مرقوم گردد که کودکان باید طوری تربیت شوند که اهمّیت روحانی اجتماعات پیروان جمال اقدس ابهی را درک کنند و افتخار و موهبت شرکت در این جلسات را ارج نهند. البتّه بعضی از جلسات بهائی طولانی است و ساکت نشستن در طیّ این مدّت برای کودکان خردسال مشکل است. در این گونه موارد، ممکن است یکی از والدین مجبور شود از قسمتی از برنامه چشم‌پوشد تا از کودک مواظبت نماید. هم‌چنین ممکن است محفل روحانی با ترتیب دادن جلسه‌ای مناسب برای کودکان در اطاقی جداگانه، در این مورد به والدین کمک نماید. به این ترتیب حضور کودکان در تمامی برنامه بزرگ سالان نشانه‌ای از رشد آنها و امتیازی خواهد بود که می‌توانند با رفتاری شایسته آن را کسب نمایند.

در هر صورت، بیت العدل اعظم خاطرنشان می‌نماید که والدین مسئول فرزندان خود هستند و باید آنها را به رعایت آداب پسندیده در جلسات بهائی ملزم نمایند. اگر اطفال به ایجاد اختلال ادامه دهند باید از جلسه بیرون برده شوند. این اقدام نه فقط به جهت برگزاری جلسات بهائی با شأن و حرمت لازم ضروری است، بلکه جهت تعلیم اطفال به اصول ادب و رعایت دیگران و احترام و اطاعت از والدین نیز لازم است.

در آثار امری هیچ گونه توضیح مبسوطی در باره نکاتی که شما از بیان مبارک حضرت عبدالبهاء در نامه خود نقل کرده‌اید یافت نشده است و برای درک این بیان باید به متن کامل لوحی که بیان مبارک از آن استخراج شده توجّه کرد.^{۱۴} لوح مبارک بر آنچه از لوازم تربیت کودکان و نوجوانان از سنّین اوّلّیه زندگی است تأکید می‌کند تا آنها برای رویارویی با چالش‌های زندگی در دوران بلوغ آماده شوند و بتوانند در حفظ موازین یک جامعه متعادل و پیشرو سهیم گردند و هم‌چنین عواقب وخیمی را که معمولاً در

صورت عدم توجّه لازم به این امور می‌توان انتظار داشت گوشزد می‌نماید. در جامعه‌ای که تماماً بر اساس قوانین و احکام حضرت بهاء‌الله اداره گردد، قبول چارچوبی که در آن این امور به نحو احسن مثمر ثمر واقع گردد آسان‌تر خواهد بود.

باید این نکته را متذکّر شد که بیان حضرت عبدالهء به تلاش‌های دیگران اشاره می‌نماید، نه به کوشش خود فرد برای تهذیب اخلاق خویش. خوش‌بختانه در آثار مقدّسه به طور مکرّر به فضل و رحمت الهی که نفوس خطاکار می‌توانند از آن بهره‌مند شوند وعده داده شده و می‌توانیم شواهد آن را در حیات قهرمانان امر الله و هم‌چنین مردم عادی ملاحظه کنیم که چطور ایمان به خدا در تغییر رفتار مؤثّر بوده است. همان گونه که آگاه هستید، یکی از اهداف اصلی ظهور مظهر الهی تقلیب صفات افراد و از این طریق، صفات جامعه به طور کلی است. بنا بر این پیامبر الهی قوانین و احکامی وضع می‌نماید که چنین تحوّل گسترده‌ای را امکان‌پذیر می‌سازد و مقصد نهایی مطلوب به تدریج از طریق تلاش‌های فردی، آزمایش و خطا و برتر از همه ایمان راسخ به خداوند حاصل می‌شود.

در مورد سؤال شما که آیا مادران باید در خارج از منزل کار کنند، مفید است که این مطلب از دیدگاه مفهوم خانواده بهائی بررسی گردد. مفهوم خانواده بهائی بر این اصل استوار است که مرد در درجه اول تأمین معاش خانواده را به عهده دارد و زن مربی اولیّه فرزندان است. این امر به هیچ وجه بدان معنا نیست که این وظایف ثابت و تغییرناپذیرند و نمی‌توان آنها را بر حسب نیاز و شرایط خانواده تبدیل و تعدیل نمود. این مطلب به آن معنی هم نیست که جای زن صرفاً در خانه است، بلکه برعکس با وجود آنکه مسئولیت‌های اصلی معین شده است انتظار می‌رود که پدران سهم مهمّی در تربیت فرزندان داشته باشند و زنان هم می‌توانند نان‌آور خانواده باشند. همان طور که شما به درستی بیان کرده‌اید حضرت عبدالهء زنان را تشویق فرموده‌اند تا "به طور مساوی و کامل در امور و شئون عالم شرکت نمایند."^{۱۵}

در خصوص سؤالات خاصّ شما، تصمیم راجع به اینکه یک مادر چه مدت می‌تواند در خارج از منزل به کار پردازد بستگی به وضع خانواده دارد که ممکن است در زمان‌های مختلف متفاوت باشد و مشورت خانوادگی به یافتن جواب کمک خواهد کرد. در مورد این سؤال که آیا دوره‌های آموزش حرفه‌ای در آینده انعطاف بیشتری خواهد داشت، بیت العدل اعظم خاطرنشان می‌سازند که اوضاع آینده این امور را تعیین خواهد نمود.

چنین به نظر می‌رسد که شخص مبتدی که در نامه خود به او اشاره کرده‌اید تعلیم دیانت بهائی را در باره مسئولیت پدر و مادر در مورد تربیت فرزندان به درستی درک نکرده است. پدر مسلماً نقش بسیار مهمّی در این مورد دارد. حضرت بهاء‌الله در کتاب مستطاب اقدس چنین فرموده‌اند:

کُتِبَ عَلَی کُلِّ اب تَرْبِیة اِبْنِه وَ بِنْتِه بِالْعِلْمِ وَ الْخَطِّ وَ دَوْنَهُمَا عَمَّا حَدَّدَ فِی اللّٰوْحِ ... اِنَّ الَّذِی رَبّی اِبْنَه اَوْ اِبْنَةً مِنْ الْاِبْنَاءِ کَاَنَّهُ رَبّی اِحَدِ اِبْنَائِیْ عَلَیْهِ بِهَائِیْ وَ عِنَائِیْ وَ رَحْمَتِی الَّتِی سَبَقَتْ الْعَالَمِیْنَ.^{۱۶}

اهمّیت زیادی که به نقش مادر داده شده از این حقیقت ناشی می‌شود که مادر، اول مربی طفل است. رفتار و حالات او، دعا و مناجات او، حتی تغذیه و سلامتی او در دوران بارداری اثری عظیم بر روی طفل دارد. هنگامی که کودک چشم به جهان می‌گشاید شیر را که اولین خوراک مناسب و مخصوص اوست خداوند در وجود مادر خلق کرده و مقتضی است که در نخستین روزها و ماه‌های بعد از تولّد در صورت امکان مادر با کودک باشد و به تربیت و پرورش وی پردازد. این بدان معنی

نیست که پدر طفل خود را دوست ندارد و برایش دعا نمی‌کند و از او مراقبت نمی‌نماید. ولی از آنجایی که وظیفه تأمین معاش خانواده در درجه اول بر عهده اوست، معمولاً وقتی را که در کنار فرزند خود می‌گذراند محدود است. اما در طول این دوره شکل‌گیری فشرده که رشد و نمو کودک از همه دوره‌های دیگر زندگی سریع‌تر است، مادر معمولاً ارتباط نزدیکی با طفل دارد. به تدریج که کودک بزرگ‌تر و مستقل‌تر می‌شود، ماهیت روابطی که با پدر و مادر خود دارد به نسبت یک‌دیگر تغییر می‌کند و پدر می‌تواند نقش بزرگ‌تری ایفا نماید.

شاید مفید باشد که به مبتدی خود تأکید کنید که اصل تساوی زن و مرد به وضوح در تعلیم بهائی بیان گردیده است و این حقیقت که بین آنها از نظر وظایف‌شان در بعضی موارد تفاوت وجود دارد، مغایر این اصل نیست.

بیت العدل اعظم به خوبی از رنج و زحمت بسیاری از مادران مجرّد که تمامی مسئولیت بزرگ کردن و نگهداری فرزندان خود را بر دوش دارند آگاه هستند. هدف دیانت بهائی ایجاد یک دگرگونی بنیادی در کلّ شالوده جامعه بشری است که شامل تربیت روحانی نوع بشر، نیل به اتحاد در روابط انسانی و پذیرش اصولی بسیار مهم از جمله تساوی زن و مرد است تا در نتیجه ثبات و پایداری ازدواج بیشتر شده اوضاعی که باعث شکست ازدواج‌ها می‌گردد به نحو قابل ملاحظه‌ای تخفیف یابد. برای دست‌یابی سریع به این هدف، جامعه بهائی باید به جذب قوای روحانیّه‌ای که لازمه موفقیت آن است ادامه دهد. این امر مستلزم تمسک کامل به اصول مندرج در تعلیم بهائی است، با این اطمینان که حکمتی که در این تعلیم نهفته است به تدریج برای تمامی نوع بشر آشکار خواهد گردید.

بهترین راه بررسی مسائلی که مطرح نموده‌اید^۶ در پرتو تعلیم بهائی در باره روابط خانوادگی است. باید بین والدین و فرزندان احترام و مراعات متقابل وجود داشته باشد به نحوی که فرزندان برای راهنمایی و مشورت به والدین رجوع کنند و والدین در تربیت و پرورش فرزندان خود کوشا باشند. نتیجه این روابط آنست که کودکان با قوه تشخیص و قضاوت صحیح رشد کرده به بلوغ می‌رسند و از اینرو قادر خواهند بود مسیر زندگی خود را به نحوی که به خوشبختی و آسایش آنان منتهی گردد انتخاب کنند.

در چارچوب این احترام متقابل، از والدین انتظار می‌رود هنگامی که فرزندان‌شان به ایجاد روابط دوستانه‌ای مشغولند که ممکن است نهایتاً به ازدواج بیانجامد، از خود حکمت و بصیرت نشان دهند. والدین باید در باره مواقعی که لازم است فرزندان خود را راهنمایی نمایند و مواردی که این عمل آنها مداخله محسوب خواهد شد به دقت تأمل کنند.

فرزندان به نوبه خود باید متذکر باشند که والدین آنها شدیداً به خوشبختی آنها علاقه‌مند هستند و نظرات پدر و مادر شایان احترام و توجه کامل است.

همان طور که مطلعید انتخاب شریک زندگی در ابتدا به عهده دو فردی است که موضوع مستقیماً به آنها مربوط می‌شود، سپس رضایت والدینی که در قید حیاتند کسب می‌گردد که این رضایت برای اجرای عقد ازدواج ضروری است.

در این مورد، مانند همه جنبه‌های روابط انسانی، مشورت در رفع سوء تفاهات و در مشخص کردن بهترین طرز رفتار بر اساس تعلیم بهائی، بسیار مفید است.

اگرچه سهم مادر در پرورش اطفال حقیقتاً بسیار عظیم است، ولی در نظر این جمع بسیار مهم است که اهمیت مسئولیتی که در آثار بهائی بر عهده پدر گذاشته شده ناچیز انگاشته نشود. در حال حاضر گرایشی وجود دارد که پدران تعلیم و تربیت کودکان را به حدی کاملاً غیر قابل توجیه به عهده مادران وامی گذارند و این هیئت مایل نیست تصوّر شود که تعلیم بهائی چنین رفتاری را تأیید می کند.

تبلیغ امر الله بدون شک شایسته ترین اعمال است و هنگامی که احبای الهی تبلیغ را با مهاجرت توأم می کنند برکات مضاعف شامل حال آنها می گردد. رسیدگی به امور خانواده نیز از اهمیت روحانی فوق العاده ای برخوردار است و جایز نیست که برای ارائه خدمت خاصی به امر الله، از رشد و پیشرفت خانواده غافل شویم. تبلیغ امر و پاسخ گویی به نیازهای خانواده هر دو باید از مهم ترین خدمات به خداوند به شمار آید، ولی وضع و موقعیت خاص هر خانواده میزان توجه به هر یک را تعیین می نماید. سهم بودن فرزندان مهاجرین در فداکاری های والدین شان وقتی به کشور دیگری می روند، امری اجتناب ناپذیر است، همان گونه که فرزندان حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء در فداکاری های آن هیاکل مقدّسه سهم بودند. ولی نباید فراموش نمود که فرزندان مهاجرین نیز از برکات روحانی و مواهب مهاجرت بهره مند هستند.

چند سؤال در باره رفتار با کودکان مطرح نموده اید. در آثار مبارکه بهائی کاملاً واضح است که اعمال انضباط از جمله عناصر مهم تعلیم و تربیت اطفال است. از طرف حضرت ولیّ عزیز امر الله توقیعی به زبان انگلیسی در باره تعلیم و تربیت اطفال صادر شده که مضمون آن به فارسی چنین است:

نوعی انضباط اعم از جسمانی، اخلاقی و یا فکری لازم است و هر روش تربیتی که فاقد این عنصر باشد کامل و ثمربخش نخواهد بود. طفل در هنگام تولّد، راهی دراز برای وصول به کمال در پیش دارد نه تنها نحیف و ناتوان می باشد بلکه ناکامل و طبیعتاً متمایل به شرّ است که باید تربیت گردد، تمایلات طبیعی او هماهنگ، تعدیل و کنترل شود و در صورت لزوم تحت نظم و قاعده در آید تا رشد سالم جسمانی و روحانی او تضمین گردد. والدین بهائی نمی توانند در مقابل فرزندان شان به خصوص آنهایی که طبیعتاً متمرّد و سرکش هستند رفتاری غیر مصمّم داشته باشند و حتی کافی نیست که برایشان دعا کنند، بلکه باید سعی نمایند که اصول اخلاقی را در اذهان جوان آنها با صبر و ملایمت القا نمایند و با حکمت و شفقت آنان را با احکام و تعلیم امر الهی آشنا سازند به نحوی که بتوانند ”ابناء خدا“ شوند و از سگان وفادار و هوشمند ملکوتش محسوب گردند....

اگرچه انضباط جسمانی اطفال به عنوان جزئی از تعلیم و تربیت آنان قابل قبول است اما باید ”با صبر و ملایمت“ و با ”شفقت“ انجام شود و به هیچ وجه شباهتی با ضرب و شتم و بدرفتاری که کودکان در بعضی از نقاط جهان با آن رو به رو هستند نداشته باشد. یک چنین رفتار مذمومی با کودکان انکار حقوق انسانی آنها و نفی اعتمادی است که در یک جامعه بهائی فرد ضعیف باید نسبت به شخص قوی تر داشته باشد.

در کردار انسانی به سختی می توان انحرافی را مکروه تر از تجاوز جنسی به کودکان که فاسدترین نوع آن زنا با فرزند است تصوّر نمود. در دوره ای از تاریخ که بنا به فرموده حضرت ولیّ امرالله: ”تباهی طبیعت بشر، تدنی اخلاق انسان، فساد و زوال مؤسسات دنیوی پست ترین و زنده ترین جنبه های خود را نشان می دهد“^{۱۸}، و زمانی که ”ندای وجدان خاموش“^{۱۹} و ”شرم و حیا مفقود“ شده است، مؤسسات بهائی باید در انجام مسئولیت خود برای حفظ و حراست اطفالی که در تحت اشراف

خویش دارند هوشیار و انعطاف‌ناپذیر باشند و نباید اجازه دهند که تهدید یا رعایت مصلحت آنها را از انجام وظایف خود بازدارد. شخصی که از تجاوز جنسی همسرش به کودکی آگاه است نباید سکوت اختیار نماید بلکه باید به کمک محفل روحانی و در صورت لزوم مسئولین دولتی، به تمام اقدامات لازم دست زند تا این عمل شنیع و به غایت غیر اخلاقی فوراً متوقف گردد و درمان و معالجه آغاز شود.

حضرت بهاءالله بر اهمیت وظایف والدین در قبال فرزندان تأکید شدید نموده و به فرزندان نیز مؤکداً فرموده‌اند که باید نسبت به والدین خود که خشنودی آنان موجب رضای الهی است، قلباً سپاس‌گزار باشند. با وجود این، از بیانات مبارک مشهود است که در موارد خاصی، ممکن است والدین به سبب اعمال و کردارشان از حقّ پدری یا مادری محروم شوند. وضع قوانین در مورد این موضوع به بیت العدل اعظم راجع است. معهد اعلی مقرر فرموده‌اند که در حال حاضر تمام مواردی که در آن پدر یا مادری به سبب اعمال و اخلاقش، ظاهراً لایق داشتن حقوق پدری یا مادری نظیر حقّ رضایت دادن به ازدواج فرزند نیست به آن هیئت ارجاع شود. مثلاً هنگامی که یکی از والدین نسبت به فرزند خود مرتکب زنا شده باشد، یا وقتی که فرزندی در نتیجه تجاوز جنسی به وجود آمده باشد و همچنین در موردی که یکی از والدین آگاهانه فرزندش را از آزار جنسی فاحش محافظت ننماید چنین مسائلی می‌تواند مطرح شود.

... اگرچه اطفال بهائی خود به خود امر الهی را از والدین خویش به ارث نمی‌برند، ولی والدین مسئول تربیت و سعادت روحانی فرزندان‌شان هستند. بنا بر این والدین بهائی باید سعی کنند از ابتدای کودکی، ایمان به خدا و محبت الهی را در قلوب اطفال القا نمایند و نیز باید بکوشند که فرزندان خود را هدایت نمایند تا از دل و جان نصایح و اوامر و احکام حضرت بهاءالله را اطاعت کنند. شناسایی و عشق به همه مظاهر الهی و معاشرت با پیروان همه ادیان و دوستی و محبت نسبت به همه افراد بشر و اهمیت تحرّی حقیقت از این جمله است. بنا بر این اطفال خانواده‌های بهائی طبیعتاً بهائی شمرده می‌شوند، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. هر کودکی با داشتن چنین زیربنایی از دانش و ادراک، آمادگی بهتری برای قضاوت صحیح و تصمیم‌گیری در مورد مسیری که باید در هنگام بلوغ برای زندگی آینده خود انتخاب نماید خواهد داشت.

در آثار مقدّسه بیانات فراوانی در مورد اهمیت اتحاد خانواده و وظایف مهمّی که فرزندان نسبت به والدین و یا والدین نسبت به فرزندان دارند یافت می‌شود. در این خصوص، در واقع از بهائیان خواسته شده که مطیع والدین خود باشند....

اما یکی از مهم‌ترین اصول امر الهی اصل اعتدال در جمیع امور است. حتّی فضایل اخلاقی، اگر در آن زیاده‌روی شود و به وسیله سایر فضایل تکمیل و تعدیل نگردد ممکن است بی‌اندازه سبب ضرر گردد. مثلاً نباید انتظار داشت که فرزند در ارتکاب گناه نیز از پدر و مادر اطاعت نماید. به علاوه اگر هر یک از قوانین را به تنهایی و جدا از اصول اساسیه‌ای که زیربنای آن را تشکیل می‌دهد و یا جدا از سایر قوانین، بزرگ جلوه دهیم و بر آن تأکید نماییم می‌تواند تولید خطر کند. همان طور که حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند اتحاد خانواده اهمیت بسیار دارد ولی باید در قبال حقوق هر یک از افراد خانواده تعدیل گردد:

بر طبق تعالیم حضرت بهاءالله خانواده که یک واحد انسانی است می‌بایستی بر اساس موازین تقوی و تقدیس تربیت شود. همه فضایل را بایستی به خانواده تعلیم داد. پیوند و الفت خانواده را باید پیوسته حفظ نمود و حقوق اعضا را نباید زیر پا گذاشت. حقوق پسر و پدر و مادر هیچ یک نباید نقض شود و یا دست‌خوش زورگویی گردد. همان گونه که پسر وظایفی نسبت به پدر دارد، پدر نیز در قبال پسر دارای وظایفی می‌باشد. بر همین منوال، مادر و خواهر و سایر اعضای

خانواده نیز هر یک اختیارات مخصوص به خود را دارا هستند. تمامی این حقوق و اختیارات باید محفوظ ماند. چنانکه خیر هر یک خیر کل راحت هر یک راجع به کل باشد.^{۲۱}

اصل مشورت در جمیع امور اصل اساسی دیگری است که فرد بهائی در برداشت و روی کرد خود نسبت به لزوم اطاعت از والدین باید آن را در نظر گیرد. به فرموده حضرت عبدالبهاء "مشورت در شریعت الله از اسّ اساس است."^{۲۲} اگر فرزند و والدین بتوانند با مشورت نقطه نظرهای یکدیگر را بهتر درک کرده به اتحاد فکر و هدف نائل شوند، قادر خواهند بود که از کشمکش در مورد مسئله اطاعت از والدین اجتناب نمایند.

در مورد بحث شما در باره رابطه بین اطاعت از والدین از یک طرف و ابراز عقیده و آزادی فردی و رشد روحانی از طرف دیگر، بیت العدل اعظم جهت ملاحظه شما، توضیح دیگری را ارائه می دهند. اگرچه افراد شخصاً مسئول اعمال و رشد روحانی خود هستند، ولی فرد در انزوا بسر نمی برد بلکه عضوی از خانواده و جامعه محسوب می شود. تصمیم به چشم پوشی از خواست های شخصی به خاطر رعایت نظریات والدین — حتی نظرات مؤسسات امری یا اولیای امور و قوانین — نمایان گر آزادی اراده است نه در بند کردن آن. فرزند با اطاعت از والدین می تواند به اتحاد خانواده و از آن طریق به امر الهی کمک کند.

کودکان ما نیازمند آنند که پرورش روحانی یابند و از پیش گامان امر الله محسوب شوند. نباید آنها را به حال خود گذاشت تا در دنیایی که مملوّ از مخاطرات اخلاقی است رها شوند. در وضع کنونی جامعه بشری، کودکان با سرنوشتی ظالمانه رو به رو هستند. میلیون ها کودک در بسیاری از کشورها از نظر اجتماعی بی سر و سامان و سرگردانند. کودکان اعمّ از اینکه در غنا بسر برند و یا در فقر، نسبت به والدین خود و دیگر بزرگ سالان احساس بیگانگی می کنند. این بیگانگی، ریشه در نوعی خودخواهی ناشی از ماده گرایی دارد که در کنه بی اعتقادی به خدا نهفته و قلوب مردمان را در همه جا قبضه نموده است. بی سر و سامانی اجتماعی کودکان در این دوران نشانه ای قطعی از جامعه ای در حال سقوط است. ولی این وضع منحصر به یک نژاد، طبقه، ملت و شرایط اقتصادی نیست، بلکه همه را در بر می گیرد. قلوب مان به شدّت متألّم می گردد وقتی ملاحظه می کنیم که کودکان در بسیاری از نقاط جهان به سربازی گمارده می شوند، به عنوان کارگر استعمار می گردند، عملاً به صورت برده خرید و فروش می شوند، اجباراً به فحشا کشیده می شوند، مورد استفاده پورنوگرافی قرار می گیرند، پدران و مادرانی که در پی امیال خویشانند آنان را ترک می کنند و به اشکال گوناگون دیگری که از حوصله این بحث خارج است قربانی مطامع دیگران می گردند. بسیاری از این مظالم وحشتناک را خود والدین بر کودکان شان اعمال می دارند. صدمات روانی و روحانی وارده بر آنان خارج از حدّ احصا است. جامعه جهانی ما نیز نمی تواند از عواقب این اوضاع در امان بماند. این آگاهی باید همه ما را به کوششی بی درنگ و مستمرّ برای حفظ منافع کودکان و آینده برانگیزد....

کودکان گران بهاترین گنجینه ای هستند که یک جامعه می تواند داشته باشد زیرا آنها امید و پشتوانه آینده اند. کودکان حامل خصوصیات اجتماع آینده هستند، خصوصیات که عمدتاً از آنچه بزرگ سالان جامعه در مورد کودکان انجام می دهند یا در انجام آن قصور می ورزند شکل می گیرد. کودکان ودیعه ای هستند که هیچ جامعه ای نمی تواند آن را نادیده بگیرد و از عواقب نامطلوب آن بر کنار بماند. محبت همه جانبه به کودکان، نحوه رفتار با آنان، کیفیت توجّهی که به آنها مبذول می گردد، طرز رفتار و سلوک بزرگ سالان نسبت به آنان، همه اینها جزو جنبه های حیاتی رفتار شایسته نسبت به کودکان می باشد. عشق و محبت

مستلزم انضباط و شهامت لازم برای عادت دادن کودکان به سختی، برآورده نکردن هوی و هوس آنها و رها نساختن آنان به حال خود می‌باشد. جوّی باید به وجود آورد که کودکان احساس کنند به جامعه وابسته‌اند و در هدف و مقصد آن شریکند. کودکان باید با مهربانی کامل ولی با پافشاری راهنمایی شوند تا طبق موازین بهائی زندگی کنند و به نحوی که شرایطشان اجازه می‌دهد به مطالعه و تبلیغ امر الله بپردازند...

و حال مایلم کلامی چند با والدین که مسئولیت اولیّه پرورش کودکان را بر عهده دارند در میان بگذاریم. از آنها تمنا می‌نمایم که تربیت روحانی کودکان خود را پیوسته در مدّ نظر داشته باشند. به نظر می‌رسد که برخی از والدین گمان می‌کنند که این وظیفه منحصرّاً بر عهده جامعه است. برخی دیگر معتقدند که به منظور حفظ استقلال اطفال در تحرّی حقیقت نباید دیانت بهائی را به آنان تعلیم داد. بعضی دیگر هم احساس می‌کنند که توانایی لازم برای بر عهده گرفتن چنین وظیفه‌ای را ندارند. هیچ یک از این تصوّرات صحیح نیست. حضرت مولی‌الوری فرموده‌اند که ”بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را به نهایت همّت تعلیم و تربیت نمایند“ و اضافه فرموده‌اند که ”اگر در این خصوص قصور کنند در نزد ربّ غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند.“^{۲۳} پدر و مادر، فارغ از میزان تحصیلاتشان، موقعیتی مهم و حسّاس برای شکل دادن به پیشرفت روحانی کودکان خود دارند و هرگز نباید توان‌مندی خود را برای تربیت اخلاقی کودکانشان ناچیز انگارند. زیرا والدین از طریق یک محیط خانوادگی که آگاهانه با عشق به خداوند، کوشش در جهت اجرای احکام الهی و روح خدمت به امر الله و عدم تعصّب و برکناری از تأثیرات مخربّ غیبت ایجاد می‌نمایند، اثری قطعی و حیاتی در پرورش اطفال دارند. هر پدر و مادری که به جمال مبارک مؤمن و معتقد است، مسئولیت آن را دارد تا به گونه‌ای سلوک و رفتار نماید که خود به خود منتهی به اطاعت کودکان از والدین گردد، اطاعتی که تعالیم امر مبارک ارزشی بسیار برای آن قائل شده است. البته علاوه بر کوشش‌هایی که در خانواده انجام می‌شود، والدین باید از کلاس‌های کودکان که جامعه بهائی ارائه می‌دهد نیز حمایت نمایند. هم‌چنین باید به خاطر داشت که کودکان در دنیایی زندگی می‌کنند که آنها را از طریق برخورد مستقیم با مخاطراتی که قبلاً ذکر شد و یا از طریق برنامه‌های مبتذل و اجتناب‌ناپذیر رسانه‌های گروهی، از واقعیت‌های ناهنجار مطلع می‌سازد. بنا بر این بسیاری از آنان مجبورند نابهنگام بالغ شوند و در بین اینها کسانی هستند که به دنبال موازین و مقرّراتی می‌گردند که زندگی آنها را هدایت نماید. در برابر این صحنه تیره و تار اجتماعی منحنّ، کودکان بهائی باید همانند نمادهایی از آینده‌ای بهتر، بدرخشند.

پ. استحکام حیات خانواده

منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله

طوبی لبیت فاز بعنایتی و ارتفع فیه ذکری و تشرف بحضور اولیائی الذین نطقوا بثنائی و تمسکوا بحبل عنایتی و فازوا بتلاوة آیاتی انهم عباد مکرمون الذین وصفهم الله فی قیوم الاسماء و فی کتب اخری انه هو السّامع و هو النّاطر و هو المّجیب.

رأس الهیمة هی انفاق المرء علی نفسه و علی اهله و الفقراء من اخوته فی دینه.

رأس التّجارة هی حبّی به یستغنی کلّ شیء عن کلّ شیء و بدونه یفتقر کلّ شیء عن کلّ شیء و هذا ما رقم من اصبع عزّ منیر.

شکّی نبوده و نیست که آنچه از قلم اعلی صادر و جاری شده از اوامر و نواهی نفع آن به خود عباد راجع است مثلاً از جمله حقوق الله نازل و اگر ناس به ادای آن موفق شوند البته حقّ جلّ و عزّ برکت عنایت فرماید و هم آن مال نصیب خود آن شخص و ذریّه او شود چنانچه مشاهده می‌نمایم اکثری از اموال ناس نصیب ایشان نشده و نمی‌شود و اغیار را حقّ بر آن مسلط می‌فرماید و یا وراثتی که اغیار بر ایشان ترجیح دارد. حکمت بالغه الهی فوق ذکر و بیانست انّ الناس یشهدون ثمّ ینکرون و یعرفون ثمّ یجهلون اگر به اوامر عمل می‌نمودند خیر دنیا و آخرت را تحصیل می‌کردند.

* * *

منتخباتی از آثار و بیانات حضرت عبدالبهاء

انی ادعو الله ان یجعل بیتک محلاً لسطوع انوار الهدی و انتشار آیات الله و توقّد نار محبّته فی قلوب عبیده و امائه فی کلّ حین و اعلمی انّ کلّ بیت یرتفع منه ذکر الله بالتّهلّیل الی الملکوت الجلیل ذلک البیت جنّه من جنان الله و روضة من ریاض ملکوت الله.

اگر توافق و محبّت در خانواده‌ای ظاهر باشد، آن خانواده پیشرفت نموده نورانی و روحانی گردد، اما اگر اختلاف و نفرت در آن به وجود بیاید، از هم پاشیدگی و انهدام آن اجتناب‌ناپذیر است.

ملل را می‌توان قیاس بر افراد عائله کنیم عائله متشکّل از افراد است و هر ملّتی نیز متشکّل از افراد و اشخاص و اگر جمیع ملل را جمع کنید یک عائله عظیمه گردد و این واضح است که نزاع و جدال بین افراد یک عائله سبب خرابیست همین نوع جنگ و حرب مابین ملل مورث انهدام عظیم است.

با دوستان و متعلّقان خویش عموماً در نهایت مهربانی و محبّت معامله کن.

محزون مباش طوفان غم ساکن گردد حسرت نماند حرمان نباید آتش محبّت الله شعله زند خار و خاشاک اندوه و غم بسوزد مستبشر باش مطمئن به عنایت بها گرد تا شبهه و ریب مفقود شود و فیوضات غیب موجود گردد ... خویش و پیوند اگر دوری جویند مکدّر مشو خدا نزدیک است اما تو تا توانی بیگانه و خویش را نزدیکی کن و مهربانی نما و نهایت صبر و تحمل بنما هر قدر ستم کنند عدل و انصاف مبذول دار و هر چه بغض و عداوت نمایند به راستی و دوستی و آشتی مقابله کن.

ای برادران مهربان در سبیل یزدان شکر کنید که اخوّت جسمانی با اخوّت روحانی جمع شده باطن عین ظاهر گشته و ظاهر عنوان باطن شده حلاوت این اخوّت مذاق جان را شیرین نماید و لذّت این نسبت کام وجدان را نمکین کند. حمد کنید خدا را که مانند طیور شکور در حدایق الهی آشیانه نموده‌اید و بعد نیز در گلشن سرای رحمانی در ملکوت ابهی بر سدره منتهی لانه خواهید کرد مرغان چمن هدایتید و هزاران گلشن موهبت این چه فضیلت و این چه عنایتیست فاشکروا الله علی هذا الفضل العظیم و الفوز الجلیل.

بشارت ملکوت را به گوش‌ها برسانید و کلمه الله را منتشر نمایید و نصایح و وصایای الهی مجری دارید یعنی به حرکت و آدابی قیام کنید که جسم عالم را جان بخشید و طفل صغیر امکان را به مقام رشد و بلوغ رسانید تا توانید در هر محفلی شمع محبت برافروزید و هر دلی را به نهایت رأفت ممنون و مسرور نمایید بیگانگان را مانند خویش بنوازید و اغیار را بمثابة یار وفادار مهربان گردید اگر نفسی جنگ جوید شما آشتی طلبید و اگر کسی ضربتی بر جگرگاه زند شما مرهم بر زخم او بنهید شماتت کند محبت نماید ملامت کند ستایش فرماید سم قاتل دهد شاهد فائق بخشید به هلاکت اندازد شفای ابدی دهید درد گردد درمان شوید خار شود گل و ریحان گردید شاید به سبب این رفتار و گفتار این جهان ظلمانی نورانی گردد و این عالم خاکی آسمانی شود و این زندان شیطانی ایوان رحمانی گردد جنگ و جدال برافند و محبت و وفا در قطب عالم خیمه افرازد.

هر انسان ناقصی خودپرست و در فکر راحت و منفعت خویش است چون یک قدری فکرش اتساع یابد در فکر راحت و نعمت خاندانش افتد اگر فکرش اتساع بیشتر یابد در فکر سعادت اهل شهرش افتد و چون افکار متسع بیشتر شود در فکر عزت وطن و ملتش افتد و چون افکار اتساع تام یابد و به منتهی درجه کمال رسد در فکر علویت نوع انسان افتد خیر جمیع خلق طلبد و راحت و سعادت جمیع ممالک را این دلیل بر کمال است.

پروردگارا در این دور اعظم شفاعت ابناء را به جهت آباء قبول می‌نمایی این از خصایص الطاف بی‌پایان این دور است پس ای پروردگار مهربان رجای این بنده خویش را در درگاه احدیت قبول فرما و پدر را در دریای الطاف مستغرق کن زیرا این پسر به خدمات تو قائم و در سیل محبت همواره ساعی تویی بخشنده و آمرزگار و مهربان.

ای اماء رحمن شکر کنید جمال قدم را که در این قرن اعظم و عصر منور محشور شدید شکرانه این الطاف اینکه در عهد و میثاق قوت استقامت بنماید و به موجب تعالیم الهی و شریعت مقدسه حرکت نموده اطفال را از سن طفولیت از ثدی تربیت کلیه شیر دهید و پرورش نمایید تا آداب و سلوک به موجب تعالیم الهی از سن شیرخواری در طبیعت و طینت اطفال رسوخ تام پیدا نماید زیرا اول مربی و اول معلم امهاتند که فی الحقیقه مؤسس سعادت و بزرگواری و ادب و علم و دانش و فطانت و درایت و دیانت اطفالند.

ای نوگل حقیقه محبت الله حمد کن خدا را که از صلب احبّا وجود یافتی و از ثدی محبت الله پرورش جستی و در آغوش معرفت الله نشو و نما می‌نمایی امیدوارم که سبب امید پدر و مادر گردی باغ آمال آنان را سرو روان شوی و شجره امید پدر و مادر را میوه شیرین و تازه و تر گردی و به خدمت کلمه الله پردازی و سبب عزت امر الله شوی.

* * *

ترجمه منتخباتی از توقیعات صادره از طرف حضرت ولی‌امرالله

یک خانواده بهائی حقیقی به منزله حصن حصینی است که جامعه بهائی به هنگام برنامه‌ریزی فعالیت‌ها می‌تواند برآن اتکا نماید. اگر ... و ... به یک‌دیگر شدیداً علاقه‌مندند و مایلند ازدواج کنند، حضرت ولی‌امرالله نمی‌خواهند که آنها تصور کنند که با

این ازدواج خود را از امتیاز خدمت محروم می‌کند. در حقیقت چنین وصلتی توانایی آنها را برای خدمت به امر الله افزایش خواهد داد. هیچ چیز احسن از آن نیست که جوانان بهائی ازدواج کرده آن طور که مورد نظر حضرت بهاءالله است خانواده بهائی حقیقی تشکیل دهند.

هیكل مبارک از اطلاع بر مشکلات خانوادگی و ناراحتی‌ها و نگرانی‌های شما شدیداً متأثر شدند و می‌فرمایند که ناامید نشوید، بلکه صبر پیشه گیرید و به هدایت و تأیید حتمی الهی مطمئن باشید. همه ما به معضلات بی‌ارزش مادی در این حیات مبتلا هستیم و نمی‌توانیم کاملاً از آنها رهایی یابیم. بهترین کار، بعد از آنکه همه کوشش‌های ما برای خلاصی از این مشکلات بی‌نتیجه مانده، آن است که فکر و ذکرمان را به تنها چیزی که شادی و آرامش حقیقی به قلوب می‌بخشد متمرکز کنیم. شما باید به درگاه الهی شاکر باشید که شما را موفق به شناسایی امر عظیمش نموده است، چه که ایمان به امر الهی مطمئناً تنها منشأ سرور و تسلی خاطر شما در هنگام رنج و سختی است. آیا چیزی بارزتر از کوشش در راه تبلیغ پیام الهی وجود دارد؟ توصیه حضرت ولی‌امرالله به شما اینست که تا حد امکان مشکلات مادی خود را فراموش کنید و توجه خود را حصر در مطالعه و نشر تعالیم الهی نمایید. شما علاقه و اشتیاق و ایمان و توانایی لازم را دارید و جای تأسف خواهد بود اگر از این خصوصیات ارزنده به نحو کامل بهره‌برداری ننمایید.

حضرت ولی‌امرالله مخصوصاً مایلند از شما بخواهم که صبور و مطمئن باشید و از همه مهم‌تر در مقابل مخالفت و کینه همسرتان، با نهایت محبت و مهربانی با وی سلوک نمایید. رفتار دوستانه و مسالمت‌آمیز در این گونه موارد نه تنها وظیفه هر فرد بهائی است بلکه مؤثرترین وسیله برای جلب موافقت و برانگیختن تحسین دشمنان و مخالفین پیشین امر نیز می‌باشد. در حقیقت محبت اکسیر اعظم است که می‌تواند شیرین‌ترین و فرومایه‌ترین افراد را تبدیل به نفوسی آسمانی نماید. امید است که رفتار شما حقیقت این تعلیم زیبای امر مبارک را بار دیگر تأیید نماید.

توصیه حضرت ولی‌امرالله به شما اینست که دائماً کوشش نمایید تا زیبایی و پاکی و نیروی خلاقه پیام حضرت بهاءالله را در زندگی خصوصی و هم‌چنین در روابط اجتماعی خود منعکس سازید. جوانان بهائی امروز باید سرمشقی برای جوانان جهان باشند و به همین جهت رفتارشان باید با عالی‌ترین موازین اخلاقی مطابق باشد. تنها تمسک کامل و مشهود همه جوانان بهائی اعم از زن و مرد به آرمان‌ها و تعالیم امر مبارک است که می‌تواند دنیای خارج را تحت تأثیر قرار دهد و توجه و علاقه جدی مردم را به تعالیم مبارک جلب نماید.

شرحی که از وضع موجود در خانواده خود مرقوم داشته‌اید و به خصوص اثرات وخیمی که بر خواهران و برادران شما می‌گذارد قطعاً بسیار غم‌انگیز است. اما با وجود آنکه خود را در مقابل برخی از مشکلات موجود ناتوان می‌بینید نباید امید خود را به بهبود اوضاع، هر چقدر هم تدریجی باشد، از دست بدهید. تنها نتیجه تسلیم شدن صرف در برابر مشکلات، نومیدی و دل‌سردی بیشتر خواهد بود. بنا بر این باید قوت قلب داشته باشید و تا آنجا که امکانات و موقعیت شما اجازه می‌دهد با اطمینان و پشت‌کار در اصلاح وضع خانوادگی خود کوشا باشید.

حضرت ولی‌امرالله از اینکه ... خاطری آزوده دارد بسیار متأسف شدند. اگر ملاحظه می‌کند که خانواده‌اش آمادگی پذیرش تعالیم الهی را ندارد، به هیچ وجه نباید محزون شود، زیرا همه نفوس از بینش روحانی برخوردار نیستند. درحقیقت بسیاری از اعضای خانواده پیامبران با وجود مشاهده سلوک و قوه برهان مظهر ظهور الهی از ایمان محروم ماندند. بنا بر این احبای الهی

نباید از این مسائل مکدر شوند، بلکه باید آینده عزیزان خود را به ید قدرت الهی بسپارند و سعی کنند با خدمات و ایمان خالص خود به امر الله، استحقاق آن را یابند که جهت احیای روحانی نهایی آنان شفاعت نمایند.

ازدواج بین دو نفس که در این ایام زنده به پیام الهی گشته و حیات خود را وقف خدمت امرش نموده‌اند و برای خیر عالم انسانی می‌کوشند می‌تواند قوه عظیمی در زندگی دیگران باشد و برای سایر احبّا و نیز غیر بهائیان سرمشق و مایه الهام گردد.

حضرت ولی‌امرالله از روش خصمانه بعضی از اعضای خانواده شما نسبت به امر مبارک که شما به خدمت آن قائم هستید شدیداً متأسّفند و معتقدند که باید آنچه در قوه دارید انجام دهید تا ضدّیت آنها را بر نیانگیزید. البته نه اینکه از ایمان خود منصرف شوید و از فعّالیت امری دست بردارید.

از آنجایی که نمی‌توانید آنها را به امر مبارک علاقه‌مند کنید، بهترین روش همان است که حضرت عبدالبهاء همواره در چنین مواردی توصیه می‌فرمودند یعنی آنها را به حال خود واگذارید و برایشان دعا کنید. مطمئن باشید که حضرت ولی‌امرالله نیز برای روشن شدن ضمیر آنها دعا خواهند فرمود. بسیاری از مردم بعد از مخالفت شدید با امر مبارک با بردباری و محبّت و حکمت و دعای بستگان یا دوستان بهائی خود، نهایتاً مجذوب امر الله گردیده‌اند.

[حضرت ولی‌امرالله] معتقدند که شما باید حتماً نهایت محبّت و مهربانی را نسبت به شوهر خود نشان دهید. اگر ما در مورد نحوه رفتار خود در مقام یک بهائی شکّی داشته باشیم، باید به حضرت عبدالبهاء بیاندیشیم و حیات مبارک را مورد مطالعه قرار دهیم و از خود سؤال نماییم که اگر آن حضرت در چنین موقعیتی قرار گرفته بودند چگونه عمل می‌فرمودند زیرا هیکل مبارک در هر موردی مثل اعلای ما هستند. البته شما می‌دانید که آن حضرت چقدر مهربان بودند و چگونه مهر و محبّت ایشان مانند شمس بر همه می‌تابید.

شوهر و فرزند شما این حقّ را دارند که از محبّت شما برخوردار شوند و فرصت بسیار خوبی در اختیار شما قرار می‌دهند تا بتوانید ایمان خود را نسبت به امر مبارک نشان دهید.

هم‌چنین باید به درگاه حضرت بهاءالله دعا کنید و طلب تأیید نمایید تا با شوهرتان متحد شده خانواده‌ای حقیقی و سعادت‌مند به وجود آورید.

حضرت ولی‌امرالله در خصوص مشکلات خانوادگی شما معتقدند که اگر طالب راهنمایی و هدایت هستید باید این مسائل را با محفل روحانی خود در میان بگذارید. یکی از وظایف این محافل ارائه توصیه و کمک به احبّا است و مراجعه به محفل روحانی از امتیازات شما می‌باشد.

مدّتهاست که حضرت ولی‌امرالله احساس می‌کنند که احبّای ... در بعضی موارد بر طبق معیار مطلوب ازدواج چنانکه حضرت بهاءالله تشریح فرموده‌اند زندگی نمی‌کنند و مستعدّ تأثیرپذیری از طرز فکر سطحی و خودخواهانه کنونی مردم نسبت به پیوند زناشویی هستند. در نتیجه هیکل مبارک از ملاحظه اینکه شما در سلوک بر طبق موازین بهائی موفق هستید و با تمام جدّیت در حفظ این پیوند مقدّس بین خود و شوهرتان می‌کوشید، برآستی مسرور و امیدوارند که بتوانید سرمشقی برای دیگران گردید.

حضرت ولی‌امرالله با روش بعضی از احبّا که به اسم خدمت به امر الله، خود را از قید شوهر رها می‌کنند و یا شوهر جدیدی اختیار می‌نمایند، موافق نیستند.

حضرت ولی‌امرالله دعا خواهند فرمود که مادر شما به امر مبارک ایمان آورند و فعّالانه به خدمت امر الله قیام نمایند. باید در نظر داشته باشید که تمسّک شما به حیات بهائی ممکن است به اندازه مطالعه و یا حتّی بیشتر در مادر شما تأثیر گذارد. هنگامی که انسان اثرات تعلیم بهائی را بر روی زندگی دیگران مشاهده می‌کند، اغلب تأثیر عظیمی دارد.

تحقّق آرزوی‌های شخصی در زندگی به ندرت برای ما شادی به همراه می‌آورد بلکه برعکس معمولاً آرزوی‌های جدیدی را بر می‌انگیزد. ولی اگر خود را در وظایف خویش غرق کنیم، وظایفی که در مقام یک انسان نسبت به خانواده و اطرافیان خود و در مقام یک فرد بهائی نسبت به امر الله داریم و به تمام قوا با توجّه به وضع و امکانات موجود به انجام آن پردازیم، به تدریج معنای واقعی شادی را در خواهیم یافت.

حضرت ولی‌امرالله برای شما و فرزندان‌تان و شوهر عزیزتان دعا خواهند فرمود. حال که همگی در ظلّ امر الهی متحد هستید و با فرح و سرور با هم فعّالیت می‌کنید، مسلماً عنایات الهی شامل خواهد شد و خدمات‌تان مشمول تأییدات روح القدس خواهد گشت. مغناطیسی که جاذب روح القدس است خدمت به امر الهی و به خصوص تبلیغ امر شکوه‌مند اوست. حضرت ولی‌امرالله دعا خواهند فرمود که هر یک از اعضای خانواده شما ستاره درخشانی در افق رضای الهی گردد. مطالعه کلام الهی و تفکّر در معانی روحانی آن و دعا و سپس عمل و بعد از آن استقامت در عمل ضروری است. اگر این مراحل طی شود، انسان از نظر روحانی رشد نموده در خدمت به امر الله موفق خواهد گردید.

شما باید آن چنان روح محبّت بهائی در خانواده خود ایجاد کنید که همسران واقعاً به امر مبارک هدایت شود و فرزندان‌تان مجذوب امر الله گردند ... توافق در خانواده مهم‌ترین امر جهت فرزندان شماست.

* * *

ترجمه منتخباتی از دستخط‌هایی که توسط و یا از طرف بیت العدل اعظم صادر شده است

بعضی از اهداف مهمّی که محفل روحانی محلّی در فرایند رشد خود به بلوغ کامل باید به آن نائل گردد عبارتند از: عمل بمنابه شبانی مهربان از برای اغنام الهی، ترویج اتحاد و اتفاق بین یاران الهی، هدایت فعّالیت‌های تبلیغی، حفظ و صیانت امر الله، برگزاری ضیافات نوزده‌روزه و سال‌روز ایّام متبرّکه و جلسات مرتّب برای جامعه، آشنا ساختن بهائیان با نقشه‌های محفل، دعوت جامعه به ارائه پیشنهادات خود، کوشش در بهبود وضع جوانان و کودکان و شرکت تا حدّ امکان در فعّالیت‌های بشردوستانه. محفل در روابط خود با افراد احبّا باید هر یک را دائماً به مطالعه امر مبارک و ابلاغ پیام شکوه‌مندش و تمسّک به تعلیمش و تبرّع آزادانه و مرتّب به صندوق‌های امری و شرکت در فعّالیت‌های جامعه بهائی و مراجعه به محفل روحانی به هنگام نیاز برای مشورت و استمداد، دعوت و تشویق نماید.

همان طور که به خوبی واقف هستید حضرت بهاءالله می‌فرماید: ”فی الحقیقه امر حقوق الهی امر بزرگی است بر جمیع ادای آن لازم چه که اوست سبب نعمت و برکت و خیرات و ما یكون مع کلّ نفس فی کلّ عالم من عوالم ربّها الغنیّ الکریم.“^{۴۴} شخص مؤمن مخلص که به موهبت پرداخت حقوق الله فائز است، ابداً در طلب عذر و بهانه‌ای برای اجتناب از ادای این وظیفه روحانی نخواهد بود بلکه نهایت کوشش را برای اجرای آن مبذول خواهد داشت. از طرف دیگر، چون اطاعت از این حکم مسئله‌ای وجدانی و پرداخت حقوق الله امری اختیاری و داوطلبانه است، شایسته نخواهد بود که از حدّ مطلع ساختن احبّای ... از وظیفه روحانی خود فراتر رفت و باید به خود ایشان واگذار کرد تا در مورد آن تصمیم بگیرند.

همین اصل در مورد آن دسته از احبّایی که در مصارف خانواده خود ره افراط می‌پیمایند و کسانی که در خرید یا بنای محلّ اقامت و وسایل و تزیینات آن از نیاز خود بسی فراتر رفته به منظور اجتناب از پرداخت حقوق الله این مخارج را ضروری توجیه می‌کنند، نیز صادق است.

تعلیم و تربیت صحیح اطفال جهت ترقّی عالم انسانی بسیار مهم است و اسّ اساس هر تربیتی تربیت روحانی و اخلاقی است. وقتی ما حقایق امر الهی و حیات بهائی را به هم‌نوعان خود می‌آموزیم اجباراً با موانعی مانند بی‌تفاوتی، ماده‌گرایی، خرافات و بسیاری از تصوّرات غلط رو به رو می‌شویم، ولی فرزندان نوزاد ما روحی پاک دارند که به اوساخ این عالم آلوده نشده است. به تدریج که رشد می‌کنند با امتحانات و مشکلات بی‌شمار رو به رو خواهند شد. ما وظیفه داریم آنها را از اوّلین دقایق زندگی، از نظر روحانی و جسمانی به آداب و تعلیم الهی تربیت کنیم و به این ترتیب هنگامی که به سنّ بلوغ می‌رسند می‌توانند قهرمانان امر الهی و نوابغ روحانی و اخلاقی عالم انسانی شده آمادگی مقابله با هر امتحانی را داشته باشند و در واقع ”انجم سماء عرفان“ و ”میاه جاریه که حیات کل معلق به آنست“^{۴۵} خواهند بود.

بیت العدل اعظم توجّه دارند که شما و همسران در مورد مشکلات خانوادگی خود با محفل روحانی مشورت کرده ولی توصیه‌ای دریافت نکرده‌اید و هم‌چنین وضع خود را با یک مشاور امور خانواده مطرح نموده اما نتیجه‌ای به دست نیاورده‌اید و معتقدند که برای شما و شوهرتان درک این موضوع بسیار مهم است که ازدواج می‌تواند منشأ راحت و آسایش بوده احساسی از امنیّت و سعادت روحانی به انسان ببخشد. ولی این امر به خودی خود اتّفاق نمی‌افتد. برای آنکه ازدواج به پناه‌گاه رضایت و آسودگی تبدیل گردد هم‌کاری طرفین ازدواج و مساعدت خانواده‌های آنان ضروری است.

دیدگاه دیانت بهائی در مورد نقش زن در جامعه بی‌نظیر است. برخلاف تمایل کنونی جهان به تنزّل دادن ارزش وظیفه مادری، امر الهی تأکید دارد که این وظیفه بسیار پرمسئولیّت بوده و به جهت پرورش سالم نسل جدید و در نتیجه ایجاد و تداوم یک تمدّن پیشرو، حائز اهمیّت بسیار است. واگذاری وظیفه تربیت اطفال در درجه اوّل به مادر از این واقعیّت ناشی می‌گردد که مادر حامل طفل است. رفتار و حالات او، دعا و مناجات او، حتّی تغذیه و سلامتی او در دوران بارداری اثری عظیم بر روی طفل دارد....

اما تعلیم بهائی مستلزم آن نیست که جای زن در خانه باشد و صرفاً به امور منزل رسیدگی نماید. اشاراتی در مورد وظیفه زن در دور بهائی در بیانات حضرت عبداله‌اء وجود دارد، که: ”زنان باید ترقّی کنند و وظیفه‌شان را به تمامه در مدارج حیات اجرا دارند مثل مردان شوند باید به درجه رجال رسند و در حقوق متساوی گردند.“^{۴۶} و هم‌چنین می‌فرماید:

نساء و رجال در دور بهاء‌الله عنان با عنان می‌روند در هیچ موردی نساء عقب نمی‌مانند حقوق‌شان با رجال متساوی است در جمیع شعبه‌های اداره هیئت اجتماعیّه داخل خواهند شد به درجه‌ای خواهند رسید که به نهایت مرتبه عالم انسانی در جمیع امور صعود خواهند نمود مطمئن باشید نظر به حال حاضره ننماید در آینده عالم نساء تابنده و رخشنده گردد زیرا اراده حضرت بهاء‌الله چنین قرار گرفته است.^{۲۷}

...تعالیم دیانت بهائی در مورد لزوم توجه به تربیت اطفال و تقویت حیات خانواده کاملاً روشن است. مشکلی که شما به آن اشاره کرده‌اید هنگامی پیش می‌آید که از احبّا برای کمک به ترویج امر الله و فعالیت‌های اداری و تحکیم جامعه بهائی مستمراً دعوت به عمل می‌آید. چالشی که در برابر این عزیزان قرار دارد این است که چگونه با توجه به محدودیت وقت، نیرو و منابع که در واقع همه احبّا با آن رو به رو هستند به این نیازها پاسخ گویند بدون اینکه از مسئولیت خود نسبت به فرزندان و سایر اعضای خانواده غافل گردند.

از آنجایی که موقعیت افراد بسیار متفاوت است برای رویارویی با این چالش روش و شیوه صحیح خاصی وجود ندارد. اما آنچه روشن است این است که بهائیان باید طریق تعادل جویند و احتیاجات موجه فرزندان و خانواده و همچنین نیازهای جامعه بهائی و رشد آن را ملحوظ دارند. هم‌چنان که خانواده رشد می‌کند، باید آگاهانه برای جلب اعضای آن به خدمات امری تلاش کرد به نحوی که فرزندان خود را در آن خدمات سهیم شمرند و نسبت به اشتغال والدین خود به خدمات امری مقاومتی نشان ندهند. این امر باید از طریق فرایند تشویق و تربیت صورت گیرد و تمایل و اشتیاق به خدمت اعضای خانواده با مشورت خانوادگی دوام یابد.

سؤالات شما همگی به مسئله حیاتی تعلیم و تربیت امری اطفال مربوط می‌گردد. از نظر بیت العدل اعظم بسیار مهم است که والدین بهائی برای مساعدت فرزندان خود در مطالعه منظم و مستمرّ تعلیم الهی و اکتساب حیات روحانی و تخلّق به اخلاق بهائی سعی بلیغ مبذول دارند. موفقیت پدران و مادران در انجام این وظایف حیاتی، خطر گرفتاری فرزندان‌شان را در چنگ قوای مخربه‌ای که از مشخصات بارز نظمی رو به زوال که شدیداً نیازمند تجدید حیات است و نیز خطر محرومیت آنان را از عنایات شفاعت حضرت بهاء‌الله تخفیف خواهد داد.

حفظ اطفال از اثرات فساد اخلاقی جامعه امروز یکی از چالش‌های عظیمی است که والدین بهائی با آن رو به رو هستند. ابراز نگرانی شما از تأثیراتی که رسانه‌ها و به خصوص برنامه‌های تلویزیونی، روی اطفال دارد با نظر موافق ملاحظه شد. همان طور که به خوبی مطلع هستید هیچ روش عملی وجود ندارد که بتوان اطفال را به طور کامل از مشکلات اخلاقی جامعه‌ای که در آن رشد می‌کنند محافظت نمود. بنا بر این بر عهده والدین است که به تمام قوا بکوشند تا اطمینان حاصل کنند که فرزندان‌شان از ابتدای کودکی، هم از طریق کلاس‌هایی که مؤسسات امری تشکیل می‌دهند و هم با تعلیم اخلاقی و سرمشقی که در منزل دریافت می‌دارند، تربیت روحانی یابند. مجموعه‌ای از نصوص مبارکه که در باره تعلیم و تربیت بهائی منتشر گردیده حاوی راهنمایی‌های مفید فراوانی در این زمینه است.

چون غیر ممکن است که کودکان بهائی در معرض اخلاق و رفتار ناپسند قرار نگیرند، بسیار مهم است که والدین به نحوی خردمندانه مواجهه کودکان با چنین اطواری در رسانه‌ها و در زندگی روزمره را وسیله‌ای برای هدایت و کمک به آنها قرار دهند

تا کودکان اهمیت عملی و روحانی متفاوت بودن را درک کنند. اینکه تا چه اندازه باید سعی نمایید تا فرزندان کمتر در معرض این نوع تأثیرات نامطلوب قرار گیرد بستگی به صلاح دید خود شما با توجه به تعالیم الهی دارد.

بیت العدل اعظم از عشق شما به جمال مبارک و اشتیاقان برای خدمت به امر الله و کسب رضای الهی مسرور شدند. راه‌های بسیاری برای خدمت وجود دارد و هر شخصی باید بر طبق امکانات و محدودیت‌های خود خدمتی را که بهتر از عهده انجامش بر می‌آید بر گیرند. فرصت برای خدمات امری لزوماً با امکان کمک به خانواده منافاتی ندارد. این نکته حائز اهمیت است که متذکر باشیم که هر جنبه زندگی انسان عناصری از خدمت به ساحت حضرت بهاءالله محسوب می‌شود: محبت و احترام نسبت به والدین خود، اشتغال به تحصیل، پرورش و حفظ سلامت، اشتغال به کسب و کار، رفتار نسبت به دیگران و رعایت موازین عالی اخلاقی، ازدواج و پرورش فرزندان، شرکت در فعالیت‌های تبلیغی و تحکیم جامعه بهائی و البته دعا و مناجات روزانه و مطالعه آثار الهی.

در مورد این سؤال که آیا برای ازدواج باید رضایت والدین کسب گردد، موارد نادری به شرح ذیل وجود دارد که این حکم محکم را در مورد یکی از والدین یا هر دو غیر قابل اجرا می‌سازد: اگر والدین در قید حیات نباشند، اگر ابتلای آنان به جنون رسماً تأیید شده باشد و قادر به اتخاذ تصمیم قانونی نباشند، اگر مفقود الاثر باشند، اگر رسماً از خود سلب مسئولیت نسبت به فرزندان کرده باشند و اگر فرزند را به نحوی شدید مورد سوء رفتار و آزار قرار داده باشند. دو شق اخیر موارد مختلف بسیاری را در بر می‌گیرد که معمولاً باید به بیت العدل اعظم ارجاع گردد تا هر یک جداگانه بررسی شود.

شما در مورد اجرای این اصل^{۲۸} در ارتباط با تربیت کودکان و جوانان نگران هستید و این سؤال را مطرح کرده‌اید که آیا قابل قبول خواهد بود که فرزند شما دیانت بهائی را نپذیرد. راه درک منظور از تحرّی حقیقت در چنین شرایطی تشخیص این نکته است که افراد باید آزاد باشند تا در مورد ایمان و اعتقاد خود، با تحقیق شخصی و تعهد باطنی خویش شخصاً تصمیم بگیرند و به پذیرفتن اعتقادات والدین یا دیگران مجبور و ملزم نشوند. این نکته هم‌چنین به این معنی است که هر فرد بالغی مسئول انتخاب نظام عقیدتی خویش است. کودکانی که توسط والدین بهائی با آگاهی از تعالیم امر مبارک پرورش یافته‌اند از ماهیت تعلیمی که آموخته‌اند در می‌یابند که این مسئولیت را باید خود شخصاً به عهده گیرند. این نکته از توصیه حضرت ولی‌امرالله در نامه‌ای از جانب آن حضرت خطاب به یکی از محافل ملیّه روشن می‌گردد که فرموده‌اند: ”هنگامی که کودک به سنّ بلوغ می‌رسد ... باید برای انتخاب دین خود صرف نظر از خواسته‌ها و آرزوهای والدینش آزادی کامل داشته باشد.“^{۲۹}

با این حال، کودکان از خردسالی نیاز به تربیت اخلاقی دارند تا حدّ اقلّ از عهده تعامل اجتماعی خود با دیگران برآیند. تعالیم مشترک اخلاقی در همه کتب مقدّسه موجود است. مناسب و در واقع ضروری است که والدین بهائی بر اساس اصول اعتقادی خود در هدایت فرزندان‌شان کوشا باشند تا آنها به صفات روحانی آراسته شده اعضای شایسته و شریف جامعه گردند. نباید فراموش کرد که حضرت بهاءالله هر یک از پیروان خود را موظّف به تبلیغ امر الهی نموده و آن را شایسته‌ترین اعمال توصیف فرموده‌اند. اگر یک مادر بهائی با علم به این موضوع، آنچه را که در باره این ظهور بدیع به دیگران می‌آموزد از فرزند خود دریغ نماید براستی عجیب خواهد بود. علاوه بر این حضرت بهاءالله امر فرموده‌اند که پدر و مادر باید فرزندان خود را از سنّ طفولیت تربیت روحانی نمایند اما این تربیت باید به روشی صورت گیرد که به تعصّب منتهی نگردد.

اگر کودکان، چنانچه وضع اسف‌بار جوانان در جامعه امروز به خوبی نشان می‌دهد، به کلی رها شوند تا راه خویش را در زندگی بیابند، آینده تاریکی در انتظارشان خواهد بود. از جمله مسائلی که باید به کودکان تفهیم نمود تا برای آینده آماده گردند خصلت عدالت است که بر اهمیّت مشاهده و تحقیق و استنباط فردی و یا به عبارت دیگر تحرّی حقیقت تأکید دارد. انسان نمی‌تواند بدون هیچ گونه آموزش و یا راهنمایی به جستجوی حقیقت پردازد. این مسئله در مورد یک پژوهش‌گر علمی نیز صادق است که اگر آموزش ندیده و آمادگی نداشته باشد، قادر به کشف حقایق مادی نخواهد بود. گرایش آزاد امر مبارک در مورد یادگیری می‌بایستی به احبّا اطمینان بخشد که توانایی پرورش ذهنی کاوش‌گر به آنان اعطا گردیده است. هر چه بیشتر به مطالعه تعلیم مبارکه پردازند، این توانایی در آنان بیشتر تقویت خواهد شد.

منابع

۱. رسالۀ تسبیح و تهلیل، صفحه ۲۰۶
۲. کتاب اقدس، بند ۶۳، صفحه ۵۸
۳. مجموعه‌ای از نصوص مبارکه در بارۀ مقام زن در امر الهی، صفحه ۱۱
۴. مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، صفحه ۹۳
۵. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحه ۱۱۵
۶. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحات ۱۱۴-۱۱۵
۷. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحه ۱۱۹
۸. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۹. گنجینه حدود و احکام، صفحه ۱۶۱
۱۰. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۱۱. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۱۲. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۱۳. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحه ۱۱۹
۱۴. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۱۵. مجموعه‌ای از نصوص مبارکه در بارۀ مقام زن در امر الهی، صفحه ۱۲
۱۶. نامه مورّخ ۲۰ مارس ۱۹۲۸ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۱۷. نامه مورّخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۲۸ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۱۸. نامه مورّخ ۱۹ ژوئن ۱۹۳۱ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یک فرد
۱۹. نامه مورّخ ۲۷ ژانویه ۱۹۳۵ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یک محفل روحانی ملّی
۲۰. نامه مورّخ ۲۹ مه ۱۹۳۵ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۲۱. نامه مورّخ ۱۴ اکتبر ۱۹۳۵ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۲۲. نامه مورّخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۳۷ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۲۳. نامه مورّخ ۲۳ نوامبر ۱۹۳۷ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا

۲۴. نامه مورّخ ۵ سپتامبر ۱۹۳۸ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّا
۲۵. نامه مورّخ ۸ مه ۱۹۳۹ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّا
۲۶. نامه مورّخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّا
۲۷. نامه مورّخ ۸ سپتامبر ۱۹۴۷ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّا
۲۸. نامه مورّخ ۱۹ اکتبر ۱۹۴۷ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّا
۲۹. نامه مورّخ ۵ ژوئیه ۱۹۴۹ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّا
۳۰. نامه مورّخ ۱۷ فوریه ۱۹۵۰ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احبّا
۳۱. نامه مورّخ ۱ اوت ۱۹۷۸ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۳۲. نامه مورّخ ۲ اکتبر ۱۹۸۶ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۳۳. نامه مورّخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۳۴. نامه مورّخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۳ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۳۵. نامه مورّخ ۱۸ آوریل ۱۹۹۴ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۳۶. نامه مورّخ ۲ ژانویه ۱۹۹۶ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۳۷. نامه مورّخ ۲۶ ژوئن ۱۹۹۶ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۳۸. ابلاغیه مورّخ ۲۰ مارس ۲۰۰۲ صادره از بیت العدل اعظم الهی
۳۹. مجموعه آثار مبارکه در باره تربیت بهائی، صفحه ۱۱
۴۰. کتاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۱۰۵، صفحه ۷۴
۴۱. کتاب اقدس، رساله سؤال و جواب، شماره ۱۰۶، صفحه ۷۵
۴۲. مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، صفحه ۷۵
۴۳. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۴۴. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۴۵. مائده آسمانی، جلد ۴، صفحه ۱۷۳
۴۶. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحه ۱۱۷
۴۷. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحات ۱۲۴-۱۲۳
۴۸. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحات ۱۳۱-۱۳۰
۴۹. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحه ۱۲۲
۵۰. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحه ۱۲۶
۵۱. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۵۲. مفاوضات عبدالبهاء، طبع مصر، صفحه ۱۶۳
۵۳. مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۴، صفحه ۳۲
۵۴. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحه ۱۳۶
۵۵. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، صفحه ۲۴۲
۵۶. آرشیو مرکز جهانی بهائی

۵۷. نامه مورخ ۲۹ می ۱۹۲۹ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به دو نفر از احبّا
۵۸. نامه مورخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۳۸ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۵۹. نامه مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۳۹ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۶۰. نامه مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۳۹ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۶۱. نامه مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۴۰ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۶۲. نامه مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۴۰ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یک محافل ملیّه
۶۳. نامه مورخ ۸ می ۱۹۴۲ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۶۴. منتخبات توقیعات مبارکه حضرت ولی‌امرالله، صفحات ۱۶۱-۱۶۰
۶۵. نامه مورخ ۲۵ اکتبر ۱۹۴۷ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از محافل ملیّه
۶۶. نامه مورخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۴ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از محافل ملیّه
۶۷. نامه مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۵۵ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۶۸. نامه مورخ ۲۳ اوت ۱۹۷۷ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۶۹. نامه مورخ ۲۹ مارس ۱۹۸۲ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۷۰. نامه مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۸۲ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از محافل ملیّه
۷۱. نامه مورخ ۴ ژوئن ۱۹۸۴ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۷۲. نامه مورخ ۹ اوت ۱۹۸۴ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۷۳. نامه مورخ ۲۳ اوت ۱۹۸۴ از طرف بیت العدل اعظم به دو نفر از احبّا
۷۴. نامه مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۸۸ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا
۷۵. نامه مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۸ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۷۶. ابلاغیه مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۸۹ بیت العدل اعظم الهی
۷۷. نامه مورخ ۸ فوریه ۱۹۹۰ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۷۸. نامه مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۷۹. نامه مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۹۴ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۸۰. نامه مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۷ از طرف بیت العدل اعظم به یکی از احبّا
۸۱. پیام رضوان ۲۰۰۰ بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان عالم
۸۲. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۸۳. مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، صفحه ۹۳
۸۴. مجموعه‌ای از نصوص مبارکه و دستخط‌های بیت العدل اعظم الهی در باره حقوق الله، شماره ۴۸، صفحه ۱۹
۸۵. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۸۶. از بیانات حضرت عبدالبهاء که اصل آن به انگلیسی ثبت شده
۸۷. مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء، قسمت دوم، صفحه ۹۹
۸۸. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۸۹. آرشیو مرکز جهانی بهائی

۹۰. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، صفحه ۲۴۴
۹۱. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۹۲. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحه ۶۶
۹۳. آرشیو مرکز جهانی بهائی
۹۴. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحات ۱۲۲-۱۲۳
۹۵. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، صفحه ۲۴۳
۹۶. نامه مورخ ۶ نوامبر ۱۹۳۲ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۹۷. نامه مورخ ۴ اکتبر ۱۹۳۳ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۹۸. نامه مورخ ۶ دسامبر ۱۹۳۵ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۹۹. نامه مورخ ۱۷ مارس ۱۹۳۷ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به گروهی از جوانان بهائی
۱۰۰. نامه مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۴۰ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۱۰۱. نامه مورخ ۹ مارس ۱۹۴۲ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۱۰۲. نامه مورخ ۴ اوت ۱۹۴۳ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به دو نفر از احبّا
۱۰۳. نامه مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۴۳ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۱۰۴. نامه مورخ ۹ مارس ۱۹۴۶ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۱۰۵. نامه مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۴۷ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یک زوج بهائی
۱۰۶. نامه مورخ ۲ آوریل ۱۹۵۰ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۱۰۷. نامه مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۲ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۱۰۸. نامه مورخ ۲۳ مه ۱۹۵۶ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۱۰۹. نامه مورخ ۵ ژوئن ۱۹۵۶ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۱۱۰. نامه مورخ ۱۵ اوت ۱۹۵۷ از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا
۱۱۱. نامه مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۲ بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از محافل ملّیه
۱۱۲. نامه مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۷۳ بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۱۱۳. نامه مورخ ۳۱ اوت ۱۹۷۶ بیت العدل اعظم الهی خطاب به محافل ملّیه
۱۱۴. نامه مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۱۱۵. نامه مورخ ۴ اوت ۱۹۹۲ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۱۱۶. نامه مورخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۲ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۱۱۷. نامه مورخ ۲ ژوئیه ۱۹۹۵ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۱۱۸. نامه مورخ ۴ سپتامبر ۲۰۰۱ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یک زوج بهائی
۱۱۹. نامه مورخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۲ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۱۲۰. نامه مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۶ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا
۱۲۱. نامه مورخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۷ از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یکی از احبّا

[یادداشت‌ها]

۱ سؤال این یار روحانی در مورد "اطاعت و رعایت ازدواج از طرف زنان" مندرج در لوح حضرت عبدالبهاء (ذیلاً نقل شده) می‌باشد:

شما ای کنیزان حضرت بی‌نیاز جهد و کوشش نمایید تا به آنچه شرف و منقبت نساء است موفق شوید و شبهه‌ای نیست که اعظم مفخرت نساء کنیزی بارگاه کبریاست و کنیزی درگاه آگاهی دلست و گواهی بر یگانگی خداوند بی‌مانند و محبت قلبی میان اماء الله و عصمت و عفت بی‌منتها و اطاعت و رعایت ازواج و تربیت و مواظبت اطفال و سکون و تمکین و قرار و مداومت ذکر پروردگار و عبادت لیل و نهار و ثبوت و رسوخ بر امر و عهد حضرت کردگار و نهایت اشتعال و انجذاب. از حق می‌طلییم که به جمیع این مواهب موفق گردید. (مناهج الاحکام، قسمت اول، صفحه ۳۸۴) ←

۲ از خطابات حضرت عبدالبهاء که متن فارسی آن موجود نیست ←

۳ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، [جلد ۱]، صفحه ۱۴۶ ←

۴ حضرت ولی‌امرالله، آرشیو مرکز جهانی بهائی ←

۵ مجموعه‌ای از نصوص مبارکه در باره مقام زن در امر الهی، صفحه ۱۱ ←

۶ منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۳۶، صفحه ۱۱۷ ←

۷ منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۶۰، صفحه ۴۷ ←

۸ این یار روحانی در مورد تصمیمات زن و شوهرهای شاغل که با دنبال کردن حرفه خود ظاهراً دو راه جداگانه را طی می‌کنند، سؤال کرده است. ←

۹ متن کامل بیان مبارک: "شوهر خویش را عزیز دار و هر چه بدخویی کند خوش‌خویی نما ولو از خوش‌رفتاری بدتر گردد باز مهربانی کن و محبت نما و دوست بدار و تحمل اذیت و آزار او نما." (آرشیو مرکز جهانی بهائی) ←

۱۰ بند ۴۸ ←

۱۱ قرآن مجید، ۶۲:۳۷ ۴۳:۴۴ ←

۱۲ استثنا: شماره ۶۴ از توقیعات حضرت ولی‌امرالله استخراج شده که اصل آن به فارسی است ←

۱۳ در نامه تقدیمی به حضور حضرت ولی‌امرالله چنین آمده است:

سؤال دیگری در مورد تعلیم و تربیت اطفال مطرح شده است. چند نفر از ما که در انتظار نوزاد بسر می‌بریم تصمیم داریم کودکان بزرگ‌تر خود را که بین دو سال و نیم تا سه سال دارند به کودکستان ... که یکی از مؤسسات تربیتی برجسته است و در سراسر مملکت به علت روش‌های پیش‌رفته تربیتی مشهور می‌باشد بفرستیم، چون فکر می‌کنیم تا چندین ماه قادر نخواهیم بود والدین کاملی برای اطفال خود باشیم و نیز به جهت اینکه هم‌بازی برای گروه سنی این اطفال در همسایگی ما یافت نمی‌شود. اما ایراد مهمی که به نظر می‌رسد اینست که بر طبق الواح و آثار، مادر مهم‌ترین مربی طفل تا سن ۶ یا ۷ سالگی می‌باشد. طبعاً همه ما مایلیم که در این مورد بهترین طریق را برگزینیم و از مساعدت و راهنمایی شما سپاس‌گزار خواهیم بود. ←

- ۱۴ بیان مبارک چنین است: ”تعلیم و تهذیب بعد از بلوغ بسیار دشوار شود“ (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحه ۱۳۳) ←
- ۱۵ از بیانات حضرت عبدالبهاء که اصل آن به انگلیسی ثبت شده ←
- ۱۶ کتاب اقدس، بند ۴۸، صفحات ۴۶-۴۷ ←
- ۱۷ رضایت والدین برای ازدواج فرزندان ←
- ۱۸ ترجمه‌ای از توقیع حضرت ولی‌امرالله مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶ ←
- ۱۹ مأخذ بالا ←
- ۲۰ مأخذ بالا ←
- ۲۱ از خطابات حضرت عبدالبهاء که متن فارسی آن موجود نیست ←
- ۲۲ مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۴، صفحه ۳۲ ←
- ۲۳ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، صفحه ۱۲۴ ←
- ۲۴ آرشیو مرکز جهانی بهائی ←
- ۲۵ منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۹۶، صفحه ۷۸ ←
- ۲۶ بهاءالله و عصر جدید صفحه ۱۶۶ ←
- ۲۷ آرشیو مرکز جهانی بهائی ←
- ۲۸ تحریر حقیقت ←
- ۲۹ ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۴۰ صادره از طرف حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا ←